

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد جشن شصتمین سال انقلاب مشروطیت ایران و پایدار باد سنن انقلابی آن!
بگذار سنن این انقلاب و جانبازی و فداکاری قهرمانان آن،
مجاهدان امروزی را الهام بخشد!

لنین در باره انقلاب مشروطیت ایران

کامیابی جنگی بدست انقلابیون که بنظر میرسد بکلی خرد شده اند، نشان میدهد که باشی بزرگهای شاه، حتی بکمک لیاخوفهای روس و سیاستمداران انگلیسی با قویترین مقاومتها از پائین روبرو هستند. جنبشی که میتواند به تلاش احیاء استبداد چنین پاسخ دندان شکن بدهد و آنها را وامیدارد که دست کمک بسوی اجنبی دراز کنند، نمیتواند نابود شود. کاملاًترین ظفرمندی ارتجاع ایران در این شرایط، مقدمه‌ای برای اوج نوین خشم عمومی است.

وضع انقلابیون ایران در کشوری که از طرفی اروپای هند و از طرف دیگر دولت ضد انقلابی روس در صدد تقسیم آن هستند، بسیار دشوار است. ولی پیشکار عنودانه تبریز، انتقال مکرر

لنین در مقاله مواد قابل احتراق در سیاست جهانی، روزنامه پرولتاری مورخ ۵ اوت سال ۱۹۰۸، (تأکید زیر جملات ازماست - مردم)

شصت سال از انقلاب مشروطیت ایران میگذرد

هموطنان عزیز!

اینک شصت سال از آغاز انقلاب مشروطیت ایران میگذرد. در تاریخ کهن و سرشار از حوادث بزرگ کشور، انقلاب مشروطیت که مدت شش سال بطول انجامید یکی از مهمترین و مؤثرترین وقایع است که سیمای جامعه ما را دگرگون ساخت. انقلاب مشروطیت ایران فصلی است پرشور و افتخارآمیز از کتاب هیجان انگیز «بیداری آسیا» که بویژه از طلوعه قرن کنونی آغاز میشود. انقلاب مشروطیت از جهت عمق و دامنه یکی از بزرگترین انقلابات ملل آسیا در دوران خویش است. انقلاب مشروطیت را متفکرین و انقلابیون عصر و از آنجمله یکی از نوابع سترگ انقلاب، ولادیمیر ایلیچ لنین با شور تمام ستوده است و آنرا حلقه‌ای از زنجیر

جنبشهای ملی بورژوا - دموکراتیک آسیا دانسته است. خلقهایی که چنین انقلابی در تاریخ خود دارند، کاملاً ذیقند بدان ببالند. انقلاب مشروطیت از جهت خصصت خود یک انقلاب بورژوائی است ولی در چارچوب تنگ انقلاب بورژوائی محدود نماند. تشکیل انجمن‌ها و سازمانهای مجاهدان و گروههای مسلح فدائی از بقیه در صفحه ۲

مبایدهای اساسی رهبری علمی جنبش و جامعه

مسئله رهبری علمی جنبش اجتماعی و جامعه از اهم مسائل مطروحه در مطبوعات کشور های سوسیالیستی است. این مسئله را مطبوعات بورژوائی نیز تحت عنوان مسئله «مدیریت» از زاویه دید خود مطرح میکنند. در کشور ما نیز، بنا به الهام محافل امپریالیستی، مسئله مدیریت مطرح است و در این باره کتب و مقالات متعددی نشر یافته است. ما در اینجا

۱ - مرحله کسب اطلاع جامع و موثق

در باره وضع

نخستین شرط رهبری صحیح و علمی جنبش اجتماعی و جامعه عبارتست از تأمین بقیه در صفحه ۳

گرایشهای تغییر در آرایش طبقاتی جامعه معاصر ایران

اگر بتوان در باره برخی از نکات این پیکره را ذکر کرد، در باره همه نکات آوردن فاکت و بیکره شدنی نیست ولی هم اکنون میتوان انبوه تجارب و مشاهدات را ولوعنوان یک کوشش نخستین تراز بندی کرد و عجاناً یک منظره تقریبی از کیفیت

در بند ۷ تره‌ای مصوب بلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران «وضع کشور و وظائف مبرم ما» بشکل مجمل و فشرده نکاتی در باره تغییراتی که بتدریج و بشکل گرایش در آرایش و ساخت طبقاتی جامعه معاصر ایران دیده میشود، ذکر شده است این مطلبی است بسیار مهم، درخورد تحقیق و پژوهش جداگانه. باید احکام فشرده و مجمل ترها را در این زمینه کنکرتیزه کرد و منظره این تغییرات را روشن تر ساخت. متأسفانه اطلاعات آماری ما ناقص است و

شود یکی از آرزوهای ملی مردم ایران بکمک اتحاد شوروی نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان برآورده میشود.

اهمیت احداث کارخانه ذوب آهن

بنظر میرسد که در اهمیت ایجاد کارخانه ذوب آهن سخن زیادی لازم نیست، چون ظاهراً همه با آن موافقت ولی در واقع اینطور نیست. از محافل حاکمه ایران شروع کنیم. در محافل حاکمه ایران (ضمن قبول غنا منابع زیرزمینی ایران) این نظریه رواج دارد که ایجاد صنایع سنگین، که کارخانه ذوب آهن سنگین است، محتاج سرمایه گذاری عظیم و کافر آزمودهای است. و چون ایران این هر دو را فاقد است، بنابراین باید نخست از صنایع سبک و

نخستین کارخانه ذوب آهن ایران

با کمک اتحاد شوروی ساخته میشود. بلافاصله پس از پایان سفر شاه باتحاد شوروی - هویدا نخست وزیر اعلام کرد که برای احداث کارخانه ذوب آهن بین ایران و اتحاد شوروی مذاکراتی در جریان است. هنوز جزئیات این مذاکرات بر ما روشن نیست. ولی آنطور که بارها اتحاد شوروی پیشنهاد کرده، اگر برسر این مسئله بین ایران و اتحاد شوروی توافق حاصل

در باره سندیکا های کارگری

پس از پایان رژیم دیکتاتوری رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰، جنبش کارگری در ایران بسرعت اوج گرفت. طبقه کارگر طی یک سلسله مبارزات پیگیر و سرسخت پیروزیهای شایان توجهی بدست آورد. تصویب قانون کار، برسمیت شناختن سازمانهای کارگری، تشکیلات کارهای انتصابی کارگاه، شناختن حق اعتصاب، تصویب قانون بیمه و بهداشت کار، تعطیل روز اول ماه مه و غیره از جمله مهمترین دست آوردهای طبقه کارگر ایران در آن دوران بود.

اینکه کارگران ایران پس از مندمات سنگینی که در دوران سلطنت رضا شاه متحمل شده بودند، توانستند در مدت کوتاهی تحت رهبری شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران متشکل و متحد گردند هیچوجه تصادفی نبود.

بقیه در صفحه ۶

الجزیره بکجا میرود؟

حوادث اخیر الجزیره چند هفته است که توجه بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی جهان را بخود مشغول داشته است. شبانگاه ۱۹ ژوئن گذشته، محمد بن بلا دبیرکل جنبه آزادی ملی و رئیس جمهوری دموکراتیک توده ای الجزیره بفرمان شورای انقلاب، که برپاست سرهنگ بومدین، رئیس هیئت وزیران و وزیر دفاع ملی تشکیل شده بود، از کسار برکنار و به نطفه نامعلومی منتقل شد. روزهای متعاقب ۱۹ ژوئن بسیار مشوش و آشفته بود. در الجزیره، اوران و بسیاری شهرهای دیگر الجزیره تظاهرات کم و بیش دامنه داری از طرف دانشمندان و سایر تره‌های مردم، بهواداری از بن بلا و مخالفت با سرهنگ بومدین انجام گردید و شمارهای

بقیه در صفحه ۵

یادی از قیام مرداد ۱۳۲۴

افسران خراسان و تهران

۲۰ سال پیش، ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۷ مرداد ۱۳۲۴ رگبار ناگهانی ۳ مسلسل و صد تفنگ آرامش عادی شهر کوچک گنبد قابوس را برهم زد. تیر اندازی از طرف ژاندارمها و واحد پلیس شهر گنبد در فضای باز خیابان جلوی پاسگاه پلیس انجام گرفت و آماج گلوله ها گروهی از افسران مترقی و مهن پرست ارتش ایران بودند. در همان رگبار اول پیکر رشید ۵ افسر و ۲ سرباز

در بار پهلوی عامل عمده

پخش هروئین در ایران

جنبال هروئین فضای ایران را آتلاشته است. روزنامه های کشور اعلام خطر کرده اند که فروشندگان این گرد کشنده دامنه فعالیت خود را در سراسر ایران گسترش داده اند. بررسی و تحقیقات انجمن نجات متادین نشان میدهد که در حال حاضر در ایران ۵۰۰ هزار نفر بمواد مخدره معتادند که اکثر آنها جوانان بین ۱۲ تا ۱۷ ساله اند. گزارش کارشناسان سازمان بین المللی بهداشت حاکی است که تا سال ۱۳۳۲ اعداد معتادین به هروئین در ایران آنکشت شمار بوده ولی در سالهای اخیر

بقیه در صفحه ۵

ارزیابی مورخ شهیر احمد کسروی درباره

ستار خان سردار ملی، گرد آزادی

راستی هم این ایستادگی گردانه ستار خان یک کار بزرگی میباشد. در تاریخ مشروطه ایران هیچ کاری باین بزرگی و ارجداری نیست. این سرد عالی از یکسوی اندازه دلیری و کاروانی خود را نشان داد و از یکسوی مشروطه را بایران باوگردانید. مشروطه از همه شهرهای ایران برخاسته تنها در تبریز بازماند. از تبریز هم برخاسته تنها در کوی کوچک امیر خیز بازسین ایستادگی را مینمود. در سایه دلیری و کاروانی ستارخان بار دیگر به همه کوی های تبریز بازگشته سپس نیز به همه شهرهای ایران باز گردید. آن لکه سپاهی که در نتیجه زبونی و کار تدانی نمایندگان پارلمان و شکست از ادیبخواهان تهران، به هامن تاریخ ایران نشسته بود، این مردم با جانبازیهای خود آنها را پاک گردانید. بی شوند نیست که ما در این تاریخ به آن مرد، روح پیشتر میگردانیم. ستار خان نه تنها مشروطه را بایران باز گردانید، صدها کسان را از کشته شدن و از گردن و آسیب رها نمود.

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شصت سال از انقلاب مشروطیت ایران میگذرد

میان قشر های متوسط و فقیر ، توسل به شیوه قیام مسلح ، شرکت گاه فعال دهقانان در نقاط مختلف ایران در این انقلاب ، آنرا يك انقلاب خلقی مبدل میسازد ، خصلت آنرا بسوی يك انقلاب بورژوا - دموکراتیک گرایان میکند . ولی آزادناکه در این انقلاب مسئله ارضی نه فقط حل بلکه حتی طرح نشده ، از آنجا که زردوران انقلاب ، پروتاریای نوزاد ایران هنوز با آن اندازه قوی نبود که بتواند مهر و نشان خویش را بر آن بگذارد ، از آنجا که در این انقلاب دهقانان شرکت وسیع و مؤثر نداشتند ، نمیتوان آنرا انقلاب بورژوا - دموکراتیک تمام عیاری دانست .

وقوع انقلاب مشروطیت در نتیجه علل داخلی و خارجی بود . علت داخلی عبارتست از تضاد ایران با رژیم استبداد قرون وسطائی قاجار . علت خارجی عبارتست از تضاد مردم ایران با استعمار طلبان بویژه استعمار طلبان انگلیس و تساریزم . فعالیت و آثار روشنگران انقلاب مشروطیت (از قبیل سید جمال الدین اسد آبادی ، میرزا آقاخان کرمانی ، ملک خان ناظم الدوله ، طالب اوف ، حاج میرزا زین العابدین مراغه ای و غیره) در تدارک زمینه فکری انقلاب مؤثر بود . انقلاب مشروطیت در زمینه خالی آغاز نشد . جنبش تنباکو که منجر بعقب نشینی استعمار و استبداد گردید نشان داد که مردم ایران مایل نیستند در قید اسارت بمانند . آن حادثه جهانی که در شروع انقلاب ایران تأثیری فراوان داشت انقلاب ۱۹۰۵ روسیه است . انعکاس این انقلاب در ایران همراه کوشش بیدار کننده سوسیال دموکراتهای انقلابی روس و قفقاز در شروع سیر انقلاب ایران تأثیری انکار ناپذیر داشت . انقلاب از مراحل متعددی گذشت که طی آن برادیکالیزم آن افزوده شد :

در مرحله اول انقلاب عده ای از اشراف ، ملاکان ، سرمایه داران و روحانیون لیبرال بر رأس آن قرار داشتند . ولی انقلاب در چارچوب مطالبات آنها که تنها میخواستند اختیارات شاه را محدود کنند و خود در حکومت شرکت جویند محدود نماند . زمینه مساعدی که در ایران وجود داشت موجب بسط انقلاب در عرض و عمق شد . بورژوازی ملی ، خورده بورژوازی ، روحانیون و روشنفکران رادیکال بسرعت وارد عرصه شدند . انجمنها تشکیل شد . سازمان انقلابی مجاهدان که تحت رهبری مراکز غیبی سوسیال دموکراسی انقلابی ایران بود بوجود آمد . مطبوعات انقلابی آغاز تهییج افکار

در مرحله اول انقلاب عده ای از اشراف ، ملاکان ، سرمایه داران و روحانیون لیبرال بر رأس آن قرار داشتند . ولی انقلاب در چارچوب مطالبات آنها که تنها میخواستند اختیارات شاه را محدود کنند و خود در حکومت شرکت جویند محدود نماند . زمینه مساعدی که در ایران وجود داشت موجب بسط انقلاب در عرض و عمق شد . بورژوازی ملی ، خورده بورژوازی ، روحانیون و روشنفکران رادیکال بسرعت وارد عرصه شدند . انجمنها تشکیل شد . سازمان انقلابی مجاهدان که تحت رهبری مراکز غیبی سوسیال دموکراسی انقلابی ایران بود بوجود آمد . مطبوعات انقلابی آغاز تهییج افکار

که بدون هیچ استخفاظ در داخل يك جیب نظامی جلوی دو کامیون در حرکت بودند - بخون کشیده شد .

ولی این غافلگیری لحظه ای پیش بطول نیانجامید . دو کامیون حامل ۱۷ افسر دیگر متوقف شد . افسران بسرعت از کامیونها پائین پریدند و در زیر باران بی توقف گلوله علیه ژاندارمها که حمله خود را ناجوانمردانه و ناگهانی آغاز کرده بودند بمقابله پرداختند . در خیابان باریک جلوی پاسگاه شهربانی جز طوفه های آهنین چرخهای دو کامیون و دیوار کوتاه کنار خیابان حفاظ و جان پناه دیگری برای سنگر گرفتن نبود . تیر اندازی متقابل آغاز شد و تا چند ساعت ادامه یافت . پاسگاه شهربانی يك بنای دو طبقه بود و دیوارهای بتونی آن ژاندارمها را از اصابت گلوله های افسران ترفیخواه مصون میداشت . افسران در خیابان باز فقط امکان تیر اندازی بداخل

استبداد خود را با تشکیل مجلس مؤسسان دروغین و تفسیر اصول چندی از قانون اساسی « قانونی » ساخت . بدین ترتیب نه فقط مسائلی که شصت سال پیش ، در برابر مردم ایران مطرح بود کماکان مطرح است بلکه بر آن مسائل تازه ای نیز مزید شده است که ناشی از تکامل بعدی جامعه ما و اجتماع بشری است . حزب توده ایران که خود را وارث سنن انقلابی مشروطیت ایران میدانند اکنون بیش از بیست سال است با پیگیری تمام برای طرح مسائل مبرم تکامل جامعه ایران و حل آنها مبارزه میکند .

ایران نیازمند انقلاب اجتماعی تازه است . انقلابی که برای رشد قوای مولده میدان مساعد ایجاد کند ، انقلابی که ایران را بسوی استقلال و دموکراسی و ترقی ببرد ، انقلابی که ایران را از بلایای استعمار و استبداد رهائی بخشد . اگر در مرحله انقلاب مشروطیت سوسیال دموکراسی انقلابی ، انجمنها و سازمانهای مجاهدان نیروی آگاه انقلاب بودند ، در مرحله کنونی انقلاب که کماکان باید وظائف حل نشده يك انقلاب ملی و دموکراتیک را انجام دهد ، حزب توده ایران ، سازمانهای ملی و دموکراتیک ، اپوزیسیون وسیع مترقی و آزادخواه ایران نیروی آگاه انقلاب است .

راز موفقیت های نسبی قوای انقلابی دیروز هماهنگی و وحدت عمل آنها بود و علت ناکامیهای امروزی ما پراکندگی ماست . اگر نیروی وسیع اپوزیسیون انقلابی امروز در ایران متشکل و متحد میشد و از شرایط جهان و ایران خردمندانه استفاده میکرد ، میتواند انقلاب ناتمام ایران را بسرانجام رساند . مسئولیت عظیم تاریخ متوجه کسانی است که با وجود روشن بودن این ضرورت آنرا به پناه های مختلف نادیده میگیرند و بجای اتحاد نیروهای انقلابی ، تنهم نفاق در میان این نیروها مبراکند . بگذار سنن انقلاب مشروطیت و جان نوازی و فداکاری قهرمانان آن مجاهدان امروزی را الهام بخشد .

فرخنده باد جشن شصتین سال انقلاب مشروطیت ایران !
 پایدار باد سنن انقلابی مشروطیت !
 پیروز باد اتحاد کلیه نیروهای مترقی !
 استبداد و استعمار !
 کمیته مرکزی حزب توده ایران
 ۱۲ مرداد ماه ۱۳۴۴

دار و دسته ارفع برای مرعوب ساختن افسران و جلوگیری از بسط جنبش در ارتش به بازداشت افسران وطن پرست پرداختند . عده ای از این افسران در شهرهای مختلف دستگیر کردند ، بزندان انداختند و یا به تبعید فرستادند .

این امر موجب شد که عده ای افسران در توسل بقیام شتاب ورزند . قیام شب ۲۴ مرداد با خلع سلاح چند واحد در مشهد آغاز شد . کاروان افسران مرکب از ۲ کامیون و يك جیب بسوی دشت ترکمن صحرا بحرکت درآمد تا آنجا را مرکز قیام آزادیبخش علیه هیئت حاکمه فاسد و اسارتگران امپریالیست قرار دهد . افسران در سر راه خود یادگان مراوه تهر را خلع سلاح کردند و سربازان آنرا مرخص نمودند . در حوالی گرگان گروه کوچکی از افسران یادگانهای تهران بقیام

بقیه در صفحه ۸

استقلال و دموکراسی میگذشاید . مسائلی که انقلاب مشروطیت مطرح کرده هنوز در دستور روز است . بیوهه نیست که خاطره انقلاب مشروطیت و سنن آن علیرغم گذشت شصت سال زمان چنین در اذهان نسل حاضر زنده است .

انقلاب مشروطیت نه فقط سیمای ددمنش خونخواران مستبدی چون محمدعلی میرزا ، امیربهداد جنگ ، اتابک ، ظل السلطان ، صمد خان ، لیاخوف و شاپشال و غیره را نشان داد بلکه نقاب تزویر از چهره سازشکارانی که به آزادبخوای نظاره میکردند از قبیل ناصرالمک ، وثوق الوله ، قوام السلطنه ، سپهدار ، تقی زاده و دیگران نیز برداشت . انقلاب در عین حال مجاهدان پیگیری را پرورش داد مانند حیدر عمو اغلی ، ستارخان ، ملک المتکلمین ، سید جمال واعظ ، میرزا جهانگیرخان ، شریف زاده ، یحیی میرزا ، علی مسیو ، باقرخان ، شیخ محمد خیابانی ، میرزا کوچک خان که برخی از آنها در جریان بعدی تاریخ ایران نقش بزرگی را ایفاء کردند . در انقلاب مشروطیت ایران بورژوازی ملی تأثیری بزرگ داشت . این بورژوازی که هنوز با رقیب و هموارد تاریخی خود پروتلاریا روبرو نشده بود و از استبداد شاه ستم میدید و از استعمار متجاوز دلخون بود ، در جریان انقلاب از خود صمیمیت و شور فراوان نشان داد . هنوز تأثیر این انقلاب در ضمیر بورژوازی ملی ایران با آنکه در شرایط دیگر اجتماعی قرار دارد ، عمیق است و اورا بسوی مقابله های اجتماعی کمابیش وسیعی با استبداد و استعمار میکشاند .

در انقلاب مشروطیت ایران بویژه روحانیون اعم از لیبرال و رادیکال نقش برجسته ای داشته اند و از میان آنها انقلابیون پرشوری مانند ملک المتکلمین بیرون آمده است . سنن انقلابی روحانیون مشروطه خواه السهام بخش آن روحانیونی است که اکنون باردیگر بنحوی از انحاء بمقابله استبداد برخاسته اند . خاندان پهلوی هرگونه آثار انقلاب مشروطیت را از جهت فقدان مسئولیت ملی ، تفکیک قوای سگانه ، اجراء حکومت پارلمانی ، تأمین آزادی احزاب و مطبوعات محو کرد . اگر رضا شاه به امحاء عملی این آثار اکتفا نمود و جرات نداشت استبداد خود را قانونی کند ، فرزندش محمد رضا شاه ، نسبت بمحمد علی میرزا قاجار ، گام فراتر گذاشت و

بقیه از صفحه ۱

یادی از قیام مرداد ۱۳۲۴ افسران خراسان و تهران

وقت و سایر سران فاسد ارتش و نقشه های ضد دموکراتیک هیئت حاکمه به قیام دست زده بودند . گرچه سران ارتش با دادن انواع امتیازها با افسران میکوشیدند از تقویت تمایلات و روحیات دموکراتیک در ارتش جلوگیری کنند . ولی علیرغم تکاپوی آنان ، تلاطم ظلمت برانداز جنبش مترقی ، تاریکی فضای ارتش را بیش از پیش میشکافت و به پیش میرفت . اطلاع از نقشه های ضد دموکراتیک ارتجاع و استعمار فکریك و اکتش مؤثر را روز بروز بیشتر در میان افسران مترقی قوت میداد .

پنجره های پاسگاه داشتند . مم الوصف در پایان این نبرد خیابانی از ژاندارمها ۳ کشته و ۴ زخمی بر جای ماند . از کاروان کوچک افسران علاوه بر ۵ افسر و ۲ سرباز شهید ۲ افسر هم زخم شدید برداشتند . کاروان مزبور از گروه کوچکی از افسران خراسان و تهران تشکیل میشد . این افسران در مرداد ماه سال ۱۳۲۴ یعنی سه ماه پس از پیروزی بر فاشیسم هیتلری علیه حکومت مودور صدرالاشراف و علیه خودسرها و خیانت پیشکهای سرهنگ ارفع رئیس ستاد

مبانی اساسی رهبری علمی جنبش و جامعه

مسئله عمل غلط سر خواهد زد و تناقضات لاینحل ایجاد خواهد کرد.

۳ - مرحله استخراج شعارها و

رهنمودهای عمل

اکنون فرض آنست که ما از وضع واقعی بدرستی مطلع شدیم، آنرا بدرستی تحلیل کردیم و به نتیجه گیرهای معین و مشخصی در باره جریان رسیده ایم که منطبق با واقعیت است. تمام این فعالیتها جنبه آکادمیک و مدرسی دارد اگر بعمل منجر نگردد، اگر برای پیشرفت حزب و نهضت و رشد جامعه بکار نرود. لذا باید از تحلیل، شعارها و رهنمودهای عمل را استخراج کرد برای آنکه وظایف حزب، نهضت، جامعه در راه نیل به هدفی که در برابر خود نهاده است، در مقطع معین زمانی و مکانی روشن گردد.

استخراج شعارها و رهنمودهای مشخص و کنکرت امر رهبری را از مرحله بررسی نظری وارد مرحله بسیار دشوار و فوق العاده بفرج و بر مسئولیت عمل میکند. بسیار سودمند است اگر ما شعارها و رهنمودهایی را که از تحلیل خود استخراج کرده ایم در مرحله نخست بشکل تجربی در یک محیط محدود تر

بکار بریم تا به صحت و اثربخشی و کارایی آن در عمل معتقد شویم. اجراء لاجولانه یک رهنمود، هر قدر هم که سنجیده و اندیشیده باشد در مقیاس وسیع، دور از حزم است؛ تا چه رسد بآنکه ما آن رهنمود را بدون سنجشهای لازم نیز اخذ کرده باشیم. ماجراجویی جز این نیست که رهنمودها ذهنی و ولونتاریستی باشد و با حرارت و شتاب در مقیاس وسیع جامعه اجراء گردد. متأسفانه باین روش ماجراجویانه کم برخورد نمیشود و بسیاری مسئولینی که بانک عقل خود تصمیمات شتابزده میگیرند و بانک اراده خود میکوشند آنرا پیش ببرند و بدینسان همه امور را ضایع میسازند.

۴ - بهره گیری از ابتکار و اندرز توده ها

هر قدر هم رهبر یا دستگاه رهبری خردمند باشد، با دقت عمل کند، بر اساس فاکتورهای جامع و موثق و تحلیلهای علمی و عمیق جمعی و خلاق نتیجه گیری نماید، رهنمودهای عمل را بدرستی تعیین کند، باز خطر خطا کاری برایش محذوف نیست زیرا پدیده های اجتماعی فوق العاده جامع الاطراف و بفرج، متحرک و متغیر، متنوع و گونه گونه هستند و ابلهانه است اگر کسی یا کسانی تصور کنند با مغز خود توانسته اند تمام این بفرجی را احاطه نمایند. تاریخ نیز بزرگ بازاست و بوالعجبی های فراوان در آستین دارد.

لذا باید در جریان عمل کردن یک رهنمود، یک شعار دائماً گوش بزنگ انتقادها و اندرزها و پیشنهادها و ابتکارها و زنده نگه داشتن آنها باشد. نکته اینجاست که برای اجراء یک کار و رسیدن یک هدف تنها یک رهنمود، یک شعار، یک شیوه عمل قابل قبول وجود ندارد بلکه چندی یا چندین شیوه عمل

اطلاع جامع و موثق در باره وضعی که مورد بررسی ماست و باید ما در آن تأثیر بخشیم (جامعه، نهضت، حزب و غیره). این اطلاع باید مبتنی بر فاکتورهای دقیق باشد و بخواسته ها و گرایشهای ذهنی در جمع آوری فاکتورها و کسب اطلاعات راه داده نشود. زیرا در انبوه واقعیت، فاکتورهای متنوع بسیار است و اگر کسی مغرض باشد میتواند آن فاکتورهای را برگزیند و برگزیند که بسود اوست و آنها را که بزبان اوست بگذارد و یا آنکه از سر بی دقتی و شتاب عمل کند و فاکتورهای نونو وار را نیند و فاکتورهای فرعی و غیر مهم را بجای آنها آورد. لذا جمع آوری فاکتور و گرد آوردن اطلاع نباید در مقطع تمایلات خاص باشد یا سرسری انجام گیرد تا بتوان از روی آنها وضع واقعی را دانست. ای چه بسا وضع واقعی درست برخلاف تصور و انتظار است؛ ای چه بسا در وضع واقعی تحولاتی روی داده است. ما آنرا حدس نیز ندهیم. اگر اطلاع گرد آمده جامع، موثق، بی غرضانه، دقیق باشد، میتواند پایه خوبی برای تحلیل قرار گیرد. میگویند پیر عقل بی عصبی فاکتور قادر بر راه رفتن درست نیست و مرغ خرد بی هوای فاکتور نمیتواند پرواز کند.

۲ - مرحله تحلیل عمیق فاکتورهای گرد آمده

وظیفه دوم عبارتست از تحلیل علمی فاکتورهای گرد آمده بر اساس اسلوب علمی (دیالکتیک) و جامعه شناسی علمی (ماتریالیسم تاریخی). زیرا خود فاکتورها نمیتوانند روایتگر ماهیت وضع، روابط درونی، سیر نهانی وقایع، سمت تاریخی و غیره باشند. در اجراء تحلیل نیز باید سخت دقیق بود. اگر ما بگوئیم فاکتورها و اطلاعات را در کالبدهای فکری و قالبهای اصولی معینی بزور بگنجانیم، نتیجتاً آنها را بسخ کرده ایم. اگر هم نخواهیم از این کلام رهنما برای سمت یابی در انبوه فاکتورها استفاده کنیم، نخواهیم توانست از فاکتورهای گرد آمده استفاده ای بکنیم. اگر فقط به فاکتورها، اطلاعات گرد آمده اکتفا ورزیم یعنی در مرحله آمیزش صرف بمانیم، قادر به درک عمق حوادث نیستیم. اگر تکیه خاصی بر روی اصول کلی بکنیم و در راسوئالیسم مطلق غرق شویم، باز هم به بیراهه رفته ایم، باز هم ذهنی را بر عینی مقدم ساخته ایم، باز هم دچار ذهنیگری شده ایم. اینجا یک مرحله حساس است و باید توانست تناسب صحیح بین تجربه و عقل، فاکتور و تعمیم را حفظ کرد.

برای آنکه در این مرحله حساس، از فاکتورها و اطلاعات و تجارب و مشاهدات گرد آمده بدرستی استفاده شود بهتر است بررسی جمعی در کادر اظهار نظر خلاق و عاری از ترس و ملاحظه و غرض بعمل آید تا کنه وقایع و ریشه حوادث و جهات مختلف آن و سمت حرکت آن روشن گردد و منظره حقیقی جریان بدرستی ترسیم گردد. یک چنین مقدمه ای شرط حیاتی و ضروری عمل درست است و الا از مقدمات و محملهای غلط فکری

است که میتواند خوب و ثمربخش باشد؛ ولی مهم است که در میان آنها ثمربخش ترین و هدف رس ترین انتخاب گردد یا باصطلاح علمی عمل ایستمالیسیون (یافتن بهترین حالت از میان حالات نظیر) انجام گیرد. ابتکار و انتقاد توده ها بهترین کمک است برای اجراء این عمل. داشتن روش های منجمد و «تغییر ناپذیر» و لجاج غیر منطقی و عناد سوپر کنیف در اجراء مشی مشکوک و مورد انتقاد عموم، همیشه بنتائج تأسف آوری میرسد (ایکاش فقط و تنها برای کسی که لجاجت میکند، بلکه متأسفانه برای همه جریان).

۵ - یافتن عمده ترین نکته، گردیدن

مساعدترین لحظه

در جریان اجراء رهنمودهای عملی گاه نکاتی است یا باصطلاح حلقه های بسیار حلال و عمده و حساس است و با حل آن نکته میتوان نکات متعددی را حل کرد و با برداشتن آن حلقه میتوان برزنجیره حوادث تسلط یافت. یافتن این نکته عمده و حلقه اصلی یکی از علائم پختگی، بصارت رهبری علمی است. علاوه بر یافتن نکته عمده، خصیصه مهم دیگر یک رهبری صحیح و مؤثر عبارتست از یافتن مساعدترین لحظه برای عمل، زمانی که وضع دیگر نضج یافته و میتوان باطرح صریح و صحیح شعار، نیروی مؤثری را بسود آن بسیج کرد. عمل بموقع، عمل زود تر از موقع، عمل پس از گذشتن فرصت بناگامی میانجامد و حال آنکه ممکنست شعار و رهنمود انتخاب شده بخودی خود صحیح باشد.

۶ - انتخاب شخص لازم در جای لازم

تحلیلهای انتخاب شعارها، تعیین نکته عمده، برگزیدن لحظه مساعد، همه و همه عبت خواهد بود اگر بر سکان عمل اشخاص شایسته ای نشسته باشند. نقش شخصیتها در این زمینه نقشی است بزرگ و گاه قاطع. مثل معروفی است که کار را باید بکاردان سپرد. زیرا امر رهبری را از روی قواعد و موازین کتابی نمیشود آموخت. برای این امر شم خاصی لازم است و این شم در جریان تجربه طولانی بدست میآید؛ برای این امر خصائل و صفات روحی خاصی لازم است و این خصائل و صفات چنین هم زود یاب و فراوان نیست. جاذبه شخصی، قدرت اقناع، شور مبارزه، درایت و تدبیر، اوتوریت معنوی، انساندوستی، شهامت تصمیم، قاطعیت و امثال آن از زمره این صفات و خصائل لازم است. مختصات شخصی رهبران و مدیران که در سنک رهبری آنها بروز میکند اثرات عمیق در سیر حوادث دارد.

۷ - مرحله بسیج و سازمان دهی

پس از آنکه مراحل مربوط بانقلاب رهنمودها طی شد باید مردم را برای اجراء آن شعارها و رهنمودها بسیج کرد، آنها را مشکل ساخت. زمانی میتوان مردم را بسیج کرد که شعارها در جهت مصالح و خواسته های آنها باشد و آنها به صحت این شعار معتقد و قانع گردند. این کار ساده ای نیست و گاه باید مردم حالات مختلف را تجربه کنند تا به شعار صحیح بگردند. و اما مشکل گردیدن

مردم برای اجراء شعارها که شکل عالی و کنکرت بسیج آنهاست (زیرا آنها را بنحوی منضبط وارد عرصه عمل گاه خطرناک و جاننازانه میکند) نیز باید با هوش و ابتکار انجام گیرد. محیطهای مختلف زمانی و مکانی، اشکال مختلف تهییجی و سازمانی را میطلبند. در اینجا هیچ حکم جامد و عام و کلی نمیتوان داد. تنوع شکل تهییج و سازمان بر حسب تنوع شرایط، ضروری است. برای بسیج مردم باید در سه جهت عمل کرد: اول در جهت افشاء کامل نقائص وضعی که باید دگرگون شود یا تصحیح گردد. دوم در جهت بیان صحیح وضعی که باید جانشتن وضع سابق گردد. سوم در

جهت نشان دادن راه تحول. فقط در صورتیکه افشاء مؤثر و صادقانه باشد، بیان هدفها درست و منطبق با خواست تکامل و راه تحول بدرستی نشان داده شود عمل بسیج بدرستی انجام میگردد. یکی دیگر از شرایط بسیج اجراء عمل

انگیزش (استیمولاسیون) مردم است.

انگیزش مردم به عمل، بمبارزه، بکار، تنها در صورتی است که اعتماد مردم جلب گردد و آنها به ثمربخشی برنامه و راه تحول پی ببرند و از جهت روحی بشور آیند. فعالترین و آگاه ترین عناصر را در جریان یک بسیج عام باید در سازمانهای متناسب مشکل ساخت. قانون اساسی کلیه سازمانها عبارتست از مرکزیت دمکراتیک. مرکزیت یعنی تبعیت مادیون از مافوق و اقلیت از اکثریت و حفظ انضباط اکید در مراعات موازین سازمانی. دمکراسی عبارتست از انتخابی بودن ارگانهای رهبری، گزارش دادن این ارگانهای و حق اظهار نظر و انتقاد و پیشنهاد افراد سازمان در برابر ارگانهای رهبری کننده. اصل مسئولیت فردی و رهبری جمعی نیز یکی از اصول راهنمای سازمانی است.

۸ - مرحله واری نقدانه انجام شده ها

پس از آنکه رهنمودها توده بسیج شده و مشکل بدان نحو که بیان کردیم اجراء کرد، باید اجراء شده ها را مورد بررسی قرار داد. باید از تجارب مثبت و منفی گذشته درس گرفت. بدون آن نمیتوان گام بعدی را آگاهانه و مدبرانه برداشت. در مرحله واری نقدانه انجام شده ها باید هم از تمایل بازآیندن همه چیز و هم از تمایل به زشت کردن، هر دو پرهیز داشت و تجارب را خوبسردانه بررسی کرد.

آنچه که گفته شد تنها یک حلقه از زنجیره مداوم رهبری علمی نهضت، حزب و جامعه است. تردیدی نیست که ما در اینجا نکات اساسی مسئله را بشکل ساده و همه فهم بیان کردیم و آگاهانه از ذکر مسائل فرعی که خود دارای اهمیت است خودداری ورزیدیم تا برای کسانی که خواستار فور رسی و زودای در این مسائل نیستند، اسکلت اساسی محسوس را بدست داده باشیم.

پروسه بدست داد .

طرح مسئله

سیمای طبقاتی جامعه ایران تنها در سالیان اخیر نیست که دستخوش تغییر شده است . جامعه سنتی فتودال پاتریارکال ایران دست کم یک قرن است که دستخوش تغییر است و بیش از پیش بیک جامعه سرمایه داری بدل میگردد . آنگاه این تغییر آنگهی است شتابنده . یعنی اگر در دوران قاجار این تغییر باکندی تمام انجام میگرفت ، در دوران سلسله پهلوی سرعت و احاطه آن بیشتر شده است و طی دهسال اخیر که از رژیم کودتا گذشته است بهلل مختلفی که میکوشیم آنرا بیان کنیم ، این تغییر آنگه سرعت بیشتری کسب کرده است و حتی در اعماق روستاها و عشایر ما رخنه نموده است و اگر دوسه دهه بدین منوال بگذرد ، اثری از جامعه سنتی قرون و سطائی در ده و شهر باقی نخواهد ماند .

مضمون و علل تغییر و مظاهر مشخص آن

مضمون عمده تغییر عبارتست از رخنه تدریجی مناسبات سرمایه داری و استقرار این مناسبات بجای مناسبات پاتریارکال و فتودالی موجود در ایران ، فرو ریختن سازمانها و مؤسسات سنتی قرون وسطائی و پاراجارتر شدن مؤسسات بورژوازی و تحول متناسب در ایدئولوژی و روان اجتماع .

جنبش های انقلابی ، فشار دائمی افکار عمومی که خواستار تحول و ترقی هستند ، تأثیر وضع و سیاست کشورهای سوسیالیستی و نهضت رهایی بخش خلیفهای آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین از طرفی و عقب نشینی از روی کراهت و ناچاری هیئت حاکمه و حامیان و الهامبران امپریالیستی این هیئت حاکمه برای حفظ سیادت خویش از طرف دیگر ، علل این تغییر است .

مظاهر مشخص این تغییر بویژه طی دهسال اخیر در جامعه معاصر ایران عبارتست از :

- ۱ - تغییر شکل طبقاتی فتودالها و ملاکان بزرگ ؛
 - ۲ - بیش از پیش کومپراد و ریزه شدن بورژوازی ؛
 - ۳ - تجزیه خورده بورژوازی شهر و ده و دروزگی (پوپریزاسیون) اکثریت آنها ؛
 - ۴ - پرولتاریزه شدن بخشی از دهقانان و بسط دائمی پرولتاریای صنعتی ؛
 - ۵ - بسط دائمی قشر روشنفکران و قشر بندی در میان آنها .
- اینک هر یک از این نکات را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم .

تغییر شکل طبقاتی فتودالها و ملاکان بزرگ

فتودالها و ملاکان سابق بتدریج به سه گروه تقسیم میشوند :

- الف - گروه زمین داران بزرگ سرمایه دار که املاک خود را با اصول سرمایه داری اداره میکنند . دولت با وضع قوانین معین بویژه به پیدایش این قشر از هر باره کمک میکند .
- ب - گروه مالکان سابق که سیمای سابق فعالیت اقتصادی خود را رها کرده و وارد قشرهای مختلف بورژوازی مالی ، صنعتی ، بازرگانی و غیره میشوند .
- ج - گروه مالکانی که در اثر تحولات اجتماعی قدرت دمساز کردن (آداپتاسیون) خود را با شرایط نوظهور از دست داده بتدریج از صحنه

قیه از صفحه ۱

گرایشهای تغییر در آرایش طبقاتی جامعه معاصر ایران

رانده میشوند .

بنظر نگارنده پدیده مسلط پدیده الف است که به پیدایش لاتیئو ندیستها و فرم های بزرگ منجر خواهد شد . طبیعی است که جامعه ایران با سن آن ، ویژگیهای آن و مهور نشان خود را بروی این قشر بندی میگذارد . دروضع کنونی این تغییر شکل طبقاتی ملاکان و فتودالهای سابق هنوز در مراحل بدوی است .

بیش از پیش کومپراد و ریزه شدن بورژوازی

بورژوازی کومپرادوریا دلال اطلاق بآن قشری از بورژوازی خودی میشود که عمده درآمدش از محل سرمایه آمیخته با سرمایه امپریالیستی بدست میاید . همیشه در ایران بورژوازی کومپرادور بخش فوقانی بورژوازی و یک قشر بانفوذ و دست اندرکار بود . امپریالیستها که در گذشته تکیه اساسی شان در کشورهای کم رشدی از نوع کشور ما به ملاکان و خانهای عشایر بود ، صجالتا ، بهللی که روشن است تکیه خود را بتدریج بروی بورژوازی این کشورها منتقل میکنند . تکیه به بورژوازی و تشویق بسط مناسبات سرمایه داری - چنین است خطوط اساسی سیاست اجتماعی و اقتصادی امپریالیستها در کشورهای کم رشد . از آنجا که امپریالیستها از فعالیت سیاسی و اجتماعی بورژوازی ضد امپریالیستی یا ملی کشورهای کم رشد تجارب تلخی دارند لذا میخواهند بورژوازی خاصی را که همان بورژوازی کومپرادور باشد در این کشورها تقویت کنند . بهین جهت سیاست کومپراد و ریزه کردن بورژوازی را در پیش گرفته اند . ایجاد شرکتها ، بانکها ، کارخانه ها و فرمها و لاتیئو ندیها و مؤسسات خدماتی مختلط ، فرمول سحر آمیز امپریالیستها برای کومپراد و ریزاسیون است . این فرمول سحر آمیز در ایران در مقیاس جدی بکار گذاشته شده است (۵) بدین ترتیب در ایران بورژوازی در سمتی بسط می یابد که امپریالیستها آنرا برای خود بی خطر میدانند .

ولی البته کار باین سادگی نیست . اقتصاد ملی ما نیز علیرغم کار شکنی های امپریالیستی راه خود را بسوی جلو خواهد گشود و امپریالیستها نخواهند توانست بورژوازی ملی را در سیاستهای گرایشند و اسارت آور خود دفن کنند و از بسط آن جلوگیری بعمل آورند و مانع نقش آن در جنبش ملی کشور ما گردند .

تجزیه خورده بورژوازی شهروده - جریان دروزگی (پوپریزاسیون)

پدیده مهم دیگر عبارتست از تجزیه خورده بورژوازی شهر (پیشه وران ، افزارمندان ، کسبه و بازرگانان کوچک) و خورده بورژوازی ده (دهقانان) . در شهرها ، در اثر رقابت بیرحمانه سرمایه داران بزرگ ، خورده بورژوازی فرو میپاشد . این پدیده ایست که از زمان اوائل سلسله قاجار آغاز شد . ولی اکنون با قوت بیشتری ادامه دارد . کسانی از میان این قشر کثیرال عدده که بهلل مختلف بتوانند

(۶) - در شماره آینده (شماره ۲ سال ۶) مجله « دنیا » بررسی اقتصادی مفصلی درباره مؤسسات مختلط در ایران نشر خواهد یافت . در این مقاله پروسه کومپراد و ریزاسیون بشکل مشخصی نشان داده خواهد شد .

خود را در این عرصه رقابت حفظ و تقویت کنند ، وارد قشرهای فوقانی جامعه میشوند و طبقات حاکمه می پیوندند . اینها اقلیت ناچیزی بیش نیستند . کسانی از میان این قشر کثیرال عدده که بهلل مختلف نمیتوانند خود را در این عرصه رقابت حفظ کنند ، بی پا میشوند . بدروزی میافتند (پوپریزه میشوند) و به گروه انبوه فقراء شهر می پیوندند .

درده جریان قشر بندی دهقانان ادامه دارد .

طبقه یکپارچه رعیت به قشر های بورژوازی ده (کولاک) ، خورده بورژوازی و عناصر پرولتر و نیمه پرولترده تقسیم میگردد . هدف اجتماعی اصلاحات ارضی شاه ایجاد همین قشرهاست . در اطراف کتوراتیوهای کشاورزی و بانکهای اعتباراتی این قشر درده ایران در حال تشکیل است . نفوس اضافی دهات که تولید ماشینی در روستا آنها را به عناصر زائد بدل میکند بشهرها هجوم می آورند و به گروه انبوه فقراء شهر می پیوندند .

این دوران ، دوران دروزگی عمومی با همه عواقب شوم آن ، رواج فقر ، فحشه ، زدی و جنایات افزایش کودکان بی سرپرست و ولگردان است . تئورسین های بورژوازی از « استواری » خورده بورژوازی سخن میگویند . یکی از نکات مهم سیاست اجتماعی امپریالیستی عبارتست از حفظ و بسط طبقه متوسط به عنوان تکیه گاه وسیع اجتماعی سرمایه داری . حقیقت آنست که بورژوازی شهر و ده بخودی خود استوار نیست و چنانکه گفتیم در جریان تحولات اجتماعی منقطب میگردد ولی سرمایه داری مجلی و امپریالیسم جهانی همه جا سیاست حفظ این طبقه را تعقیب میکند . در کشور ما هنوز این سیاست آگاهانه و بشکل مؤثری تعقیب نمیشود و لذا پروسه طبیعی انقلاب جدی است .

پرولتاریزه شدن بخشی از خورده بورژوازی و بسط دائمی پرولتاریا

بخشی از عناصر بی پا شده در ده و شهر وارد سیاه پرولتاریای صنعتی میگردد ، مابقی وارد طبقه های میشود که در نتیجه بسط تولید صنعتی در تزیاید دائمی است . در خود پرولتاریا نیز قشر بندی انجام میگردد . هیئت حاکمه سعی دارد بیک « آریستوکراسی کارگری » بوجود آورد که تکیه گاه عوامل قریبهای کارگری رژیم باشد و نمایندگان و کلاک ، کارگری ، مطیع تحویل رژیم باشد . این قشری که امروزه کمابیش پدید آمده قشری است نسبتاً مرفه ولی فوق العاده کم عدده . در کشور ما این قشر برخلاف کشورهای نظیر امریکا ، انگلستان و آلمان غربی بهیچوجه نتوانسته است و نخواهد توانست نفوذی در میان کارگران بهمزند و در نظر کارگران و توده مردم این عناصر دائماً بصورت عمال رژیم جلوه گردند و حمایتان در نزد آنها رنگی ندارد .

افزایش دائمی پرولتاریای صنعتی نقش آنها را ، و زن مخصوص اجتماعی آنها را (که تا چندی پیش بیشتر نتیجه مبارزات آگاهترین عناصر کارگری بود) از جهت اجتماعی و اقتصادی نیز بالا میبرد . این طبقه بیش از پیش وارد عرصه جامعه ما میشود بیش از پیش مهور نشان خود را بر حوادث جامعه باقی میگذارد . این طبقه که از جهت سرشت خود مترقی ترین طبقه است رسالت تاریخی بزرگی دارد و حامل اجتماعی سوسیالیزم است یعنی نظامی که قهرراً جانشین نظام سرمایه داری گونونی خواهد شد .

پدیده های که پرولتاریای صنعتی ایران در این استانه رشد و بلوغ خود با آن روبرو شده است پدیده خودکار شدن تولید (اتوماسیون) است . اتوماسیون و شرکت ماشینهای محاسباتی و منطقی الکترونیکی

در تولید (سیمپناسیون) در کشورهای رشد یافته هم اکنون منجر به تغییرات اساسی در قشر بندی کارگری گردیده است . و این طبعاً در دستخوش تحولات اساسی ساخته و میسازد . با آنکه در عرصه صنایع نفت کشور خود ما تا حدودی با این پدیده روبرو هستیم و هم اکنون پرولتاریای ایران از این رهگذر ده ها هزار نفر بیکار داده است ولی هنوز بسیار زود است که از آن بتوان بعنوان یک پایه اجتماعی ، چنانکه در کشورهایمانند امریکا دیده میشود ، سخن گفت . علاوه هنوز این مسئله در کشورهای رشد یافته حل نشده است که آیا جریانی پیدایش مشاغل جدید قویتر است یا جریانی بیکاری ناشی از اتوماسیون . بهرحال توجه باین پدیده که در آینده با قوت بیشتری در جامعه ما مطرح خواهد شد ضرور است .

مسئله دیگری که پرولتاریای صنعتی با آن روبروست مسئله بیکاری است . قدرت جذب بنسگاههای نو بنیاد دولتی و خصوصی در قبال میزان بیکاری که در اثر عوامل مختلف در ده و شهر ایران ایجاد میشود ، بسیار ضعیف است و این خود از بغرنج های مهم کشور ماست . تنها در صورت تأمین آنگه رشد سریع تکامل نیرو های مولده میتوان ما بین اضافه نفوس ده و شهر و قدرت جذب صنعتی و تأمین کار تناسبی ایجاد کرد .

بسط دائمی قشر روشنفکران و قشر بندی در میان آنها

یکی دیگر از قشرهایی که در حال بسط دائمی است قشر روشنفکران است مانند معلمین ، پزشکان ، مهندسی ، دانشمندان ، هنرمندان و غیره و غیره . اگر چنانکه مرسوم است کارمندان کشوری و لشگری دولتی و خصوصی را نیز در این قشر وارد سازیم در آصورت قدرت روز افزون این قشر بخواهی دیده میشود . روشنفکران در کشورهای کم رشد (که در آنها اکثریت مطاق توده های شهر و ده بعلت نادانی و فقر شدید از عرصه فعالیت سیاسی بدور میمانند) و خود نیز غالباً برخاستگان از میان خورده بورژوازی هستند در جنبش مترقی و رهایی بخش نقشی حساس دارند . سیمای سنتی روشنفکر ایرانی تغییر میکند . قشر روشنفکران فنی در تزیاید سریع است . از طرفی گروه انبوه تکنیسینها و بهیاران و معلمین ده و غیره پدید میشوند و از طرف دیگر روشنفکران برجسته که به تحقیق های علمی جز در زمینه های سنتی (تاریخ و ادبیات ایران) مشغولند ، ظهور میکنند . تکامل سریع تکنیک معاصر که سطح مخصوص مهارت کار را بالا میبرد روز بروز نقش حساس تر و مهمتری برای روشنفکران ایجاد میکند و برای آنها آینده های وجود میآورد .

چنین است خطوط اساسی تغییر در آرایش طبقاتی جامعه ما .

بررسی این تغییرات دارای اهمیت عملی جدی برای حزب طبقه کارگر است . لازم است برنامه ما ، استراتژی و تاکتیک و تمام کار ما با مختصات و مقتضیات جامعه کنونی تطبیق داده شود . بدون آن چنین راه درست پیشرفت حزب و نهضت دشوار است . عدم توجه به تغییرات ، موجب جدائی ما از واقعیت است و جدائی از واقعیت تحلیل ها و شعار های ما را مرده و بیروح و غیر مؤثر میسازد .

جا دارد در باره نکاتی که در این مقاله بنحوی مجمل ذکر شد . تحقیقات و بررسی های وسیع و حتی المقدور مبتنی بر آمار و فاکت انجام گیرد .

رادیو پیک ایران

همه روزه در ساعات ۶ و ۸ بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۱۹ - ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند . شنیدن مرتب این رادیو وظیفه هر فرد حزبی و هر میهن پرست ایرانی است .

بی نهایت افزایش یافته است. روزنامه کیهان در شماره ۲۳ فروردین امسال خود نوشته است: «سال گذشته ۲ تن و ۲۰۰ کیلو گرم هروئین و کوکائین در ایران مصرف شده است، مبلغی را که برای خرید این زهر سپید پرداخت شده روزنامه کیهان بیش از ۶۶۰ میلیون تومان تخمین زده است. خطری که گسترش می یابد»

هروئین از سوخت های کشنده رژیم کودتاست. چندی پیش روزنامه کیهان نوشت: «اولین بار روز دوم اسفند ماه ۱۳۳۲ یعنی درست ۶ ماه پس از انجام کودتای خانانها ۲۸ مرداد این روزنامه خبر دستگیری مردی را که مشغول فروش گرد هروئین بود منتشر ساخت.»

سایر روزنامه ها نیز مخفی نمیکنند که استعمال گرد سفید هروئین پس از کودتای ۲۸ مرداد شیوع یافته است. در اردیبهشت ۱۳۴۲ باستکار مجله روشنفکر در تهران کمیته ای برای مبارزه با هروئین تشکیل شد در یکی از جلسات این کمیته آقای دکتر صاحب الزمانی اظهار داشت: «در حال حاضر در سراسر کشور عده زیادی معتاد از سنین ۱۲ الی ۷۰ ساله بسر میبرند که متأسفانه امکانی برای معالجه و مداوی آنان نیست. او افزود:

طبق آمارهای که در دست است در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۱۰۴ زن در کشور معتاد است. در تهران در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۱۱۰ زن هروئینی وجود دارد. مجرمیت های جنسی زنان و مردان «بیکاری جوانان نداشتن تفریحات سالم» شرایط سیاسی و اجتماعی است و عدم احساس مسئولیت که خانواده و اجتماع جوانان بخود گرفته آنها را بکام این زهر کشنده انداخته است. . . .

متأسفانه در مقابل رقم وحشتناک معتادین امکانات موجود برای معالجه آنها بسیار ناچیز و مسخره است. در همین جلسه دکتر میر سپاسی در باره سود سرسام آوریکه فروشندهگان هروئین کسب میکنند گفت:

«هر کیلو هروئین بقیعت ۵ هزار تومان تمام میشود در حالیکه بقیعت یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروش میرسد. . . . اخیراً باز پرس شعبه ۴۲ مواد مخدره اعلام کرده است که «عده معتادین و سوداگران هروئین بنحو بیسابقه ای افزایش یافته است مأمورین دولت سال گذشته ۱۱۲ کیلو و ۸۰۰ گرم مواد مخدره سفید (هروئین کوکائین و مرفین) و ۱۰۳۳۴ کیلو گرم تریاک و شیره کشف کرده اند.»

پرونده در این زمینه تشکیل شده است، وزیر دادگستری چندی پیش بهمخبرین جرایم گفت: وقتی بامار عمل کرد مقامات قضایی نسبت به جرائم مربوط به تخلف از قانون منع کشت خشخاش و منع استعمال مواد افیونی مراجعه کردم و اتمام حجت نمودم، پرونده های که در همین دادسرای تهران تشکیل شده هروئین و مرفین در همین دادسرای تهران تشکیل شده.

فروردین در همین زمینه بدر و دیوار شهر ها نوشته شد. در محافل مختلف نیز این انعکاس کودتای الجزیره متفاوت بود. در بعضی از کشورها با خوشحالی تلقی شد، بعضی با احتیاط با آن روبرو شدند و گروهی به مخالفت برخاستند. حقیقت اینست که هنوز برای اظهار نظر قطعی در باره رژیم جدید الجزیره، ماهیت سیاست داخلی و خارجی آن زود است. ولی یک نکته قطعی است «و آن اینکه این کودتا ضربه ای از راست به دولت بن بلا و بر سیاست داخلی و خارجی او بوده است و بهین دلیل این جریان نگرانی عمیقی در محافل مترقی و دموکراتیک جهان بوجود آورده است.

جبهه آزادی الجزیره (اف.ا.ا.ن) که در جریان هفت سال و نیم مبارزه آزادیبخش ملی رهبری مبارزه را در دست داشت، ابتدائی از نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف جامعه الجزایر بود که علیرغم اختلاف عقاید سیاسی و اجتماعی خویش، از یک شعار واحد، یعنی آزادی الجزیره از اسارت استعمار فرانسه و استقلال آن متحد شده بودند. در دوران نبرد مسلحانه این شعار حلقه واسط و رابط میان تمام عوامل «جبهه آزادی ملی» بود و اختلافات سیاسی و اجتماعی همه در سایه این شعار قرار داشت. ولی از همان روزها معلوم بود که بعد از پیروزی نبرد مسلحانه این وحدت متزلزل پایدار نخواهد ماند و شرکت کنندگان در جبهه آزادی ملی، هر یک در جهت عقاید و منافع خویش فعالیت خواهند پرداخت. از همان روزهای پایان نبرد این اختلافات که در کمون بود بروز کرد و نخست منجر به برکناری فرحت عباس رئیس دولت موقت الجزیره و سپس تصادم در دولت بن خده جانشین فرحت عباس و میان بن بلا و یکسو و بسیاری از رهبران دیگر جبهه

بقیه از صفحه ۱

بنحو وحشت آوری افزایش یافته است. بنا بر این ملاحظه میکنید که نسل جوان در برابر چه خطر بزرگی قرار گرفته است. روزنامه های که نطق وزیر دادگستری را چاپ کردند، نوشتند: آمار نشان میدهد که فقط در تهران نزدیک ۱۵ هزار نفر معتاد به هروئین وجود دارد که اگر آنها جوان هستند. در تهران روزانه نزدیک ۸ کیلوگرم هروئین مصرف میشود که نسبت به سال ۱۳۴۲ دو برابر شده است و فروشندگان غالباً بغلور آزاد متاع خود را در مکان های مختلف به خریداران عرضه میدارند.

هروئین چگونه وارد ایران میشود

تقسیم اعظم هروئینی که وارد ایران میگردد از امریکاست باند های بیست المللی معمولاً مواد اولیه این زهر سفید را از کشورهای آسیائی وارد امریکا مینمایند و در آنجا به هروئین «کوکائین» مرفین و غیره تبدیل مینمایند. در ایران نیز تا کنون چندین لابراتوار مجهز که به ساختن هروئین مشغول بودند کشف شده است. پیش بینی زوده اند که بیست در صد هروئینی که در ایران مصرف میشود در خود ایران ساخته میشود. هروئین از بعد از جنگ جهانی دوم توسط باند های بیست المللی در سراسر گیتی پخش شد و امروز سودآورترین تجارتی است که در دنیا معمول است. هزاران نفر از دیپلمات های کشورهای سرمایه داری باین شغل تنگین اشتغال دارند و شبکه مخوف آن بسیاری از پادشاهان، شیوخ و سران دولت های آسیائی و افریقائی را در خود گرفته است. روزنامه نیویورک هرالد تریبون در یکی از شماره های اخیر خود نوشت: «سود سالیانه باند های بین المللی قاچاق مواد مخدره بیش از سودیست که کارتل های نفتی و سوداگران اسلحه بدست میآورند.»

اگر در نظر بگیریم که میلیونها نفر در امریکا اروپای غربی و آسیا در دام (شیطان سفید) افتاده اند و هر روز مجبورند مبلغ قابل توجهی از در آمد روزانه خود را برای بدست آوردن آن مصرف نمایند آنوقت معلوم میشود وسیله هر سال از این راه بچیب باند های بین المللی وارد میگردد چه سود سرسام آورست. در ایران اگر اعضای خاندان پهلوی باین تجارت تنگین اشتغال دارند. برای اولین بار در سال ۱۳۳۱ مأمورین گمرک در فرودگاه مهر آباد دوچمدان ملو از بسته های گرد هروئین را که متعلق به اشراف پهلوی بود توقیف کردند. هر چند خبر این واقعه در بعضی از روزنامه های آزمون منتشر گردید ولی با

بقیه از صفحه ۱

آزادی ملی، از جمله بودیاف، کریم بلقاسم و دیگران از سوی دیگر شد. در آن موقع بومدین که رئیس ستاد ارتش الجزیره بود، در جانب بن بلا قرار داشت و در غلبه بن بلا بر رقیبان و معاندانش نقش اساسی بهیبه داشت. اختلافات در درون جبهه آزادی ملی سرچشمه های طوفانی، سیاسی و اجتماعی و خصوصی داشت. افرادی مانند فرحت عباس معتقد بایجاد یک جمهوری بورژوائی، تغییر جمهوریهای بورژوائی غرب بودند. عده ای دیگر از ایجاد یک حکومت متمرکز و دموکراتیک و از ساختمان یک جامعه سوسیالیستی در الجزیره حمایت میکردند. گروهی در حد واسط قرار داشتند و طرفدار تلقین و اتفاق بودند. در همانحال اختلافات خصوصی و معاندتهای شخصی نیز بدست در میان رهبران الجزیره وجود داشت. این اختلافات خصوصی که بعضی از آنها سالیان دراز سابقه داشت و در سالهای نبردسلحانه بوجود آمده بود بنده خود نقش مهمی در سیر حوادث بازی میکرد.

بهر صورت در جریان مبارزه ای که بعد از اعلام استقلال الجزیره در گرفت و کشور را به آستانه جنگ داخلی کشید، احمد بن بلا بر مخالفان خویش غالب شد و دولت خویش را بوجود آورد.

دربار پهلوی عامل عمده بغش هروئین در ایران

خروج اجباری اشراف پهلوی از ایران موضوع مسکوت گذارده شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دست شاه و فامیل او برای پخش وسیع گرد هروئین در ایران باز شد. در مدت دو سال ۱۳۳۲-۱۳۳۴ ناگهان ده ها هزار نفر بدام «شیطان سفید» افتادند و عده کسانی که تاب مقاومت بیشتر در مقابل زندگی برای آنها نمانده بود با «گرد سفید» بزندگی خود خاتمه دادند. دربار پهلوی برای آنکه دامنه فعالیت خود را در این زمینه توسعه دهد و سود بیشتری از این راه بدست آورد در سال ۱۳۳۴ بنام «حفظ سلامت مردم» کشت خشخاش را در سراسر کشور منع کرد.

حساب تنظیم کنندگان این قانون درست بود. با جمع آوری تریاک و جاوگیری از کشت آن معتادین به هروئین روی آوردند و بازار فروش آن گروتر شد. قبل از تصویب قانون منع کشت خشخاش ایران سالیانه ۷۰۰ تن تریاک تولید میکرد (۱) که یکصد تن آن صادر میشد و ۶۰۰ تن بقیه در داخل کشور بهصرف می رسید. دولت با قبول خسارتی در حدود یک میلیون و نیم دلار در سال که از راه فروش تریاک بکشور های دیگر بدست میآورد بازار خرید و فروش هروئین را که در ایران بفع دربار رواج داد، «کیسه کوش پهلوی» را که در قمارخانه های اروپا تهی شده بود پر ساخت و سیل دلار را بسوی دربار پهلوی سرازیر ساخت. علاوه بر اعطای خاندان پهلوی بسیاری از مأمورین سیاسی دولت، خلبانان هواپیماهای خارجی، ملوانان کشتی های تجارتهی و عده کثیری از مستشاران امریکائی مستظلاً انواع مواد مخدر وارد ایران میکنند و تحویل باندهای مختلف قاچاقچیان میدهند. مطبوعات خارجی تاکنون مطالب زیادی درباره شرکت فعال خاندان پهلوی در خرید و فروش هروئین و همکاری نزدیک آنها با باندهای بین المللی انتشار داده اند. چندی پیش مجله ایتالیائی (ا.ب.س) سند جالبی را در این زمینه منتشر ساخت. سند مذکور عبارت است از متن نامه اعتراضیه دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه با مواد مخدره به رئیس دانشگاه کالیفرنیا.

متن نامه چنین است: «مستر کلارک، رئیس دانشگاه کالیفرنیا، دوست عزیز نام سازمان ما که بر روی این صفحه درج شده نقش آموزشی ما را روشن میسازد. شنیده ایم که شما درجه افتخاری علمی بشاه ایران داده اید. بدین مناسبت ما بخود حق می دهیم نظر شما را بجمالی (۱) اطلاعات هوئی دهم شهریور ۱۳۴۲

الجزیره بکجا میرود؟

حمایت از جنبشهای نجاتبخش ملی و مبارزه با امپریالیسم پیوری میگرد. در سیاست داخلی نیز هدف دولت بن بلا ساختمان یک جامعه سوسیالیستی در الجزیره بود و در همین راه قسمتهای مؤثری نیز در راه ایجاد یک بخش دولتی صنایع، ایجاد هسته های کشاورزی کلتکتیو و غیره برداشته است. اگر نیروهای مترقی جهان نیز از دولت بن بلا حمایت میکردند مطلقاً جنبه شخصی نداشت و علت آن همین سیاست مترقی داخلی و خارجی بن بلا بود.

اکنون «شورای انقلاب» و سرهنگ بومدین، رئیس جدید دولت الجزیره اتهامات فراوان بر بن بلا وارد میکنند. آنها بن بلا را بایجاد «دیکتاتوری فرتی» عبارت پردازی های بیجاسل، «حیف و میل اموال دولتی»، «بائین آوردن سطح تولید»، «ایجاد هرج و مرج اقتصادی» و غیره متهم میکنند. آنها در همانحال از زبان سرگرد سلیمان سخنگوی شورای انقلاب، میگویند که: «فعالیت شورای انقلاب طبق اصول برنامه تریبولی و منشور الجزیره که ساختمان جامعه سوسیالیستی را در الجزیره نصب العین قرار داده است انجام خواهد گرفت.

در باره اتهامات وارده بر بن بلا و صحت و کذب آنها اظهار نظر مشکل است. فرض صحت پاره ای از این اتهامات، مثلاً ایجاد حکومت فرتی و معمول کردن اسلوبهای ضد دموکراتیک معلوم نیست که تا چه اندازه این عوامل در کودتای ۱۹ ژوئن مؤثر بوده اند. قرائن دیگری وجود دارد که نشان میدهد موجودین کودتای ۱۹ ژوئن در باره بعضی از مسائل مهم سیاسی با بن بلا موافق نبوده اند.

کچه مستر بارش استاد دانشگاه ایندیانا در دسامبر ۱۹۶۲ اظهار داشت جلب نمائیم. وی میگوید: «دو سال ۱۹۵۳ هروئین بکافی در ایران ناشناخته بود. اما اکنون بیش از ۲۰ درصد از ایرانیانی که هنوز به سن «اسلاکی» نرسیده اند بجای تریاک از هروئین که تأثیرش از انواع مواد مخدره شدیدتر است استفاده میکنند و از این راه هر سال میلیونها دلار بچیب شاه سرازیر میشود. تجارت مواد مخدر توسط خاندان سلطنتی ایران فقط منحصر بجود ایران نیست. چندی پیش شاهزاده اشراف خواهر شاه با چند چمدان پر از هروئین در یکی از کشورهای اروپائی دستگیر شده است. . . . سازمان ایلیسی جهانی و اداره گهرک بخوبی میدانند که ایران صادر کننده عمده مواد مخدره قاچاق از کشور ماست ولی چون شاه دوست ماست ما بخود اجازه حمله بوی را نمیدهیم. . . .

دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه با مواد مخدره سپر در نامه خود مینویسد: «بناظر ما درجه های افتخاری دانشگاه باید بکسانی اعطا گردد که بانسانیت خدمت کرده باشند در حالیکه شاه ایران جز اعطای مرگ از راه پخش هروئین در میان مردم کشورش کار دیگری انجام نداده است.

ما با بنام سازمان خود، بنام هزاران نفر از اعضاء و دوستانمان و بنام شیفتهگان آزادی و بنام مردم به اعطای این درجه بشاه اعتراض میکنیم و بغضاتر انسانیت آقای فرمان دکتراي افتخاری را بشاه ایران خواستاریم سازمان بین المللی مبارزه با مواد مخدره و.ف. ماهونی

در شماره ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ مجله امریکائی نیشن نیز شرحی در باره فعالیت اشراف پهلوی و ارتباط او با باند های بین المللی قاچاق هروئین درج شده است.

نیشن مینویسد: «روز ۱۷ نوامبر ۱۹۶۰ پلیس سویس اشراف خواهر شاه را با دو چمدان ملو از هروئین به بهای دو میلیون دلار توقیف کرد. در آزمون اشراف مدتی در سویس تحت تعقیب بود تا بالاخره دستها بکار افتاد و شاه توانست خواهر خود را از محضه رها سازد.»

مبارزه دولت با قاچاقچیان مواد مخدره

مبارزه کاذبی است

در یکی از شماره های اخیر روزنامه کیهان عکس پیروزی بنامنه گلنماغ بچشم میخورد. تنه گلنماغ بدو سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده است زیرا او سرایدار خانهای بوده که در آن ۲ گرم هروئین کشف شده است!

هم اکنون هزاران نفر امثال انه گلنماغ در زندانهای ایران گرفتارند. در حالیکه قاچاقچیان عمده در پناه «اله فساده» و «رهبر انقلاب» بکار تنگین خود ادامه میدهند. مجله خواندنیهها در شماره ۵۹ امسال خود بتقل بقیه در صفحه ۶

د. آذر

بقیه از صفحه ۵

دربار پهلوی عامل عمده پخش هروئین در ایران

از روزنامه بورس نوشت :
از تیرماه سال ۱۳۳۴ که قانون منع کشت و پخش باجرا گذاشته شد دادگستری بتدریج به امر کز رسیدگی به پرونده تریاکها و اونیونها تبدیل گردیده است . رسیدگی باین پروندهها قسمت اعظم وقت دادسراها و دادگاههای عالی جنائی را در سراسر کشور اشغال کرده است .

دولت از یکطرف به ماورین کشف مواد قاچاق مقدار نسبتاً زیادی حق الکشف میدهد و از سوی دیگر تریاکهای مکشوفه که بداره نظارت بر مواد مخدره تحویل میگردد معلوم نیست بکجا میروند . . . در اردیبهشت سال ۱۳۳۱ ناگهان فاش شد که صدها تن تریاک که از قاچاقچیان بدست آمده و تحویل اداره مبارزه با مواد مخدره گردیده از طرف متصدیان این سازمان دوباره تحویل بازار سیاه شده است . روزنامهها در آنوقت نوشتند که «متصدیان مبارزه با مواد مخدره بجای تریاکهای موجود در انبار ترفه فروت گذاشته اند و از همانوقت معلوم بود که چند کارمند جزء پنهانی این کار را نکرده اند و (کسان دیگری) پانها کمک نموده اند .

در تاریخ اول دیماه ۱۳۳۲ ولایتکله گیاه متهمین (جز یکفر که بدو ماه حبس و پرداخت ۶۰۰ تومان غرامت محکوم شد) تبرئه گردیدند روشن شد آن کسان دیگر، دواغ وجود داشته اند و همکاری خود را نیز در «حفاظت مذلت» تنها نگذاشته اند .

کلیه اقداماتی که رژیم شاه پیرامون مبارزه با مواد مخدره انجام میدهد سطحی و عوامفریبانه است . از بعد از کودتای ۲۸ مرداد کمتر نخست وزیر است که خود را قهرمان مبارزه با مواد مخدره نخواند باشد . برای متدین بیچاره اشک تماشای نریخته باشد . و کلابی مجلس شاه نیز هر چند یکبار بیاد جوانان می افتند و از اینکه قاچاقچیان بیرحم زندگی آنها را تباه ساخته اند تأسف میخورند .

برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدره و دولت حتی قوانین غلط و سادگی نیز وضع نموده است . در زمان ریاست وزرائی عنم قانونی از مجلس گذشت که «برای سازندگان و وارد کنندگان هروئین و مرفین مجازات اعدام در نظر گرفته است» . این قانون به دادگاهها اجازه میدهد که در این مورد بدون رعایت مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مجازات عمومی تعیین کیفرنامههای ولی وقتی هر روز چندین لاک و نه هفت هروئین بنام دربار وارد ایران میشود و بی کمک خود با موریس دولت سیل تریاک از ترکیه و افغانستان بداخل کشور سرازیر است از این قوانین چه ساخته است ؟

اقدامات دولت تاکنون از حدود دستگیری گروهی مصرف کننده بی باه و فروشنده خرده پائیس مجازات آنها تجاوز نکرده است . بیجهت نیست کسانی مانند هوانا که میخواهند خوربا ، بی خبر از همه چیز نشان دهند اعتراف میکنند که «مصرف هروئین در ایران هر روز بروز زیانتر میشود و اقدامات دولتها در زمینه مبارزه با مواد مخدره تاکنون نتیجه مطلوب بیار نبوده است .

برای نجات نیل جوان باید اقدام کرد

هدف دربار پهلوی از پخش و وسیع گرد هروئین در ایران سود سرشار و نیز تخدیر نسل جوان است . نفع رژیم در اینست که جوانان هر چه بیشتر غافل و بی اراده و ناتوان و از صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی دور باشند . گرد هلاکت بار هروئین باین هدف رژیم کمک میکند .

بسیار از استعمال این گرد تاکنون دهها هزار نفر از هستی ساقط شده اند . هزاران نفر مرده اند و صدها هزار نفر هم اکنون در چنگال بیرحم آن اسیرند .
گرد هروئین بمدارس دانشگاه ادارات کارخانهها و حتی روستاهای دور دست کشور راه یافته است . نیم میلیون انسانز نیل و مصرف سالیانه بیش از آن هروئین در ایران ما را از خطر موخشی که نسل جوان را تهدید میکند آگاه میسازد .
غلیه این خطر باید بمبارزه جدی برخاست . نسل جوان ایران را باید از دام پلیدی که دربار پهلوی فرراه آن گسترده است نجات داد . فروزان

رژیم کودتا کوشید تا دستاوردهای کارگران را در زمینه مبارزات سندیکائی محو کند ولی رشد اجتماعی طبقه کارگر در ایران و شرایط جهان او را و میباید که این نیروی عظیم و بسا نفوذ را بنادیده نگردد و سیاست کارگری و ویژه خود را تنظیم و تثبیت کند . مطالعه وضع مشخص و قوانین موجود سندیکائی و یافتن راه صحیح استفاده از وضع ، یکی از وظایف جنبش سندیکائی واقعی کشور است و ما در این مقاله میکوشیم نکاتی را در این باره مطرح سازیم .

معضلی چند در باره آئین نامه جدید تشکیل سندیکا های کارگری

در خرداد ماه سال گذشته هیئت وزیران آئین نامه جدید تشکیل سندیکا های کارگری را در ۹ فصل و ۶۹ ماده به تصویب رساند . موادی چند از آئین نامه مذکور را عمداً از زیر نفل میکشیم :
ماده ۱ - کارگران یک کارگاه میتوانند بمنظور حفظ منافع حرفه ای و بهبود وضع اجتماعی و مادی خود با رعایت قوانین و مقررات مربوطه سندیکائی کارگری تشکیل دهند .
ماده ۲ - کارگران یک حرفه میتوانند در یک ناحیه از استان شهرستان و یا یک شهرستان سندیکائی حرفه ای تشکیل دهند .
ماده ۳ - سندیکا های مشابه میتوانند اتحادیه تشکیل دهند .
ماده ۴ - اتحادیه ها میتوانند کنفدراسیون تشکیل دهند .

چهار ماده فوق بکارگران کلیه کارگاهها و حرف اجازه میدهد سندیکا های خود را سازمان دهند . تنها شرطی که آئین نامه جدید برای تشکیل سندیکائی کارگری لازم میبماید عبارتست از تنظیم اساسنامه . در ماده ۱۷ گفته میشود که در اساسنامه هر سندیکا ذکر و تعیین نکات زیر الزام آور است :

- الف - نام سندیکا
 - ب - اقامتگاه قانونی سندیکا
 - ج - هدف فعالیت سندیکا
 - د - هدف سندیکا
 - ه - شرایط عضویت
 - و - میزان حق عضویت
 - ز - تشکیلات و طرز اداره امور مالی سندیکا
 - ح - تکلیف وجوه و اموال سندیکا اعم از منقول و غیر منقول در صورت انحلال
- بدین طریق کارگران هر حرفه مین میتوانند طبق مواد قانون کار و مقررات آئین نامه جدید سندیکائی خود را تشکیل و اساسنامه آنها تنظیم و برای ثبت بوزارت کار ارائه دهند . البته برطبق قوانین و مقررات تصویب شده هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق دخالت در تشکیل و یا انتخابات و اداره سندیکاها ندارد .

ولی تجربه سالهای اخیر نشان داده است که رژیم کودتا فقط در دو مورد اقدام به اصلاح و یا تجدید قوانین و مقررات میکند . یا بمنظور دستبرد بخوق مردم و یا بقصد فریب آنان . در مورد مقررات آئین نامه جدید وزارت و خدمات اجتماعی شق دوم یعنی فریب افکار عمومی را در پیش گرفت و موادی در آن گنجانده که تنها پروری کاغذ باقیست و بهیچ وجه مراعات نمیکرد .

ماده اول آئین نامه که دراصل تکرار ماده مربوطه در قانون کار است بکارگران یک کارگاه راسا اجازه تشکیل سندیکا را میدهد .
در سال ۱۳۳۰ کارگران خود را تشکیل دادند . بقانون کار سندیکائی کارگری خود را تشکیل دادند . اکثر کارگران در سندیکا متشکل شدند . شرکت تعاونی کارگران را سازمان دادند و کلیه سهام آنها در اختیار کارگران گذاردند . تشکیل در سندیکا بکارگران امکان داد که بدفاع از حقوق خود برخیزند و نخستین اقدام آنها مطالبه حق عالمندی کارگران بود . ولی همین امر باعث شد که سال بعد مدیر عامل شرکت واحد نخست شرکت تعاونی کارگران را منحل ساخت و سپس سندیکائی خود را سرهم بندی کرد و کارگران را مجبور بوزور در آن نمود .
در همانسال کارگران ساختمانی تهران نیز اقدام به تشکیل سندیکا کردند . ولی وزارت کار از ثبت سندیکائی که توسط کارگران سازمان داده شده بود خودداری ورزید .

بقیه از صفحه ۱

درباره سندیکاهای کارگری

امتناع از ثبت سندیکا هائیکه بدون شرکت عوامل دولت تشکیل میگردد بدیده تازه نیست . سالیان دراز است که وزارت کار برای جلوگیری از رشد سندیکا های واقعی کارگری بیسان حیل و منوسل میشود . و چون سندیکائی به ثبت نرسیده عملاً نمیتواند از حقوق خویش در دفاع از منافع کارگران استفاده کند . و از این کار ممنوع میگردد لذا از فعالیت باز میماند .
وزارت کار موظف است بمعضل اعلام موجودیت سندیکائی که ارائه اساسنامه تنها شرط اثبات وجود آنست بدون تشریفات آنرا برسهیت بباشناسد . ولی وزارت کار در این مورد هم قوانین موجود را زیر پا میکندار و بدین طریق عملاً حق تشکیل سندیکا های آزاد را از کارگران سلب مینماید . لذا فقط سندیکا هائی که توسط وزارت کار و خدمات اجتماعی سازمان امنیت سرهم بندی میشوند رسمیت دارند .
این نکته را هم باید متذکر شد که در برخی موارد وزارت کار حتی از تشکیل سندیکا های دولتی نیز ایبا میوزرد . کما اینکه تاکنون نه تنها بکارگران نفت در آبادان اجازه تشکیل سندیکا داده نشده بلکه از تشکیل سندیکائی دولتی در این منطقه نیز خود داری گردیده است .

کارگران و کار در سندیکا های دولتی

آزادی سندیکائی مانند سایر آزادیهای دموکراتیک در کشور ما وجود ندارد . تشکیل سندیکاهای کارگری هم مانند تشکیل احزاب منحصرأ در اختیار رژیم کودتا است . ولی مهم اینستکه خواست کارگران برای ایجاد سندیکائی واقعی آنچنان نیرومند است که طبقه حاکمه هم نمیتواند آنرا نادیده بگذرد . باید در نظر داشت که هر سندیکائی بوسیله هر کسی که تشکیل شده باشد همقدر که تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران در آن متشکل شده باشند میتواند بصورت حربه مبارزه کارگران درآید و نیز با زود به سندیکائی واقعی و مدافع حقوق کارگران بدل شود . سران رژیم هم بر این نکته واقفند . و بهین دلیل از پیدایش و تضح سندیکاها بویژه در صنایعی که کارگزارانش دارای سنت مبارزه هستند جلوگیری میکنند .
در چنین شرایطی وظیفه کارگران فعال و آگاه این نیست که بعنوان مخالف از سندیکا کناره گیری کنند ، بلکه باید با فعالیت خودشان در سندیکا بتدریج آنرا بمرکز واقعی احقاق حق مبدل سازند . اکنون باید دید آیا میتوان خواستهای کارگران را از طریق سندیکا های دولتی که اداره شان بدست عمال وزارت کار و احیاناً سازمان امنیت سپرده شده است منعکس ساخت ؟ و آیا میتوان در چارچوب سندیکا های دولتی موجود بمبارزه اعتصابی دست زد ؟

برای روشن شدن موضوع نمونه های چند ذکر میکنیم . در شهریور ماه سال ۱۳۳۱ کنفرانس کار یکمفتهای تهران تشکیل گردید . در این کنفرانس علیرغم اینکه اکثر شرکت کنندگان عمال وزارت کار بودند کارگران توانستند قسمتی از خواستهای خود را در قطعنامه بگنجانند . اهم این خواستها عبارت بود از :

- ۱ - جلوگیری از اخراج کارگران
 - ۲ - شمول قانون کار بکارگران کشاورزی
 - ۳ - تجدید نظر در حداقل دستمزدها
 - ۴ - شمول ماده ۲۳ قانون کار بکارگران قرار دای
 - ۵ - رعایت حفاظت فنی در کارگاه
 - ۶ - تأسیس کلاسهای حرفه ای در کارخانجات
- سال گذشته کارگران در جلسه شورای همکاری سندیکا های کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران با استفاده از مراسم برگزاری جشن اول ماه مه خواستهای خود را بشرح زیر مطرح و تصویب کرده و از مقامات مسئول انجام آنرا خواستار شدند :
- ۱ - اجرای کامل قوانین کار و بیمه های اجتماعی در تمام واحد های کارگری اعم از صنعتی و صنفی بطور تسلی
 - ۲ - اصلاح وضع نقائص قوانین فوق بجمع طبقه کارگر با نظر سندیکاهای
 - ۳ - با توجه بقانون اصلاحات ارضی که نتیجه

اجرای کامل آن بوجود آمدن واحد بزرگی از کارگران کشاورزی بوده و خواهد بود لغو فوری ماده ۸ قانون کار و شمول مقررات قانون مذکور در باره کارگران کشاورزی

- ۴ - جلوگیری جدی از اخراج های فوری و دستجمعی و تدوین آئین نامه خاص جهت تأمین این هدف
- ۵ - تعیین فوری حد اقل دستمزد بر اساس شاخص هزینه زندگی
- ۶ - شناختن حق انتصاب که آخرین سلاح طبقه کارگر است جهت کارگران ایران
- ۷ - لغای سریع بیمه تدریجی و شمول مقررات بیمه کسابل برای عموم کارگران ایران
- ۸ - لغو تبصره ۲ ماده ۶ قانون کار که ناظر به تضییع حقوق قسمت عمده کارگران است
- ۹ - تقویت و حمایت صنایع داخلی از راه کنترل صنعتی دولتی
- ۱۰ - جلوگیری از ورود اجناس خارجی که مشابه آن در ایران و بدست توانائی کارگران ایرانی تولید میگردد با کنترل قیمت تمام شده و عرضه آن بازار
- ۱۱ - حمایت و تقویت سندیکاهای کارگری از راه ارجاع حل اختلافات کارگران و کارفرمایان بقوه سندیکاهای
- ۱۲ - تأمین مسکن و بیمه بیکاری جهت کارگران ایران
- ۱۳ - تجدیدنظر در مالیاتهای غیرمستقیم و تسهیل مالیات تصاعدی به درآمد های مستقیم .

مقایسه خواستهای مندرجه در این بیانیه با مطالبات مطروحه در قطعنامه شش ماهه ای کنفرانس کار تهران منقده دو سال و نیم بیش نه تنها نشان دهنده درک عمیق معدلات از جانب کارگران و رشد آگاهی سیاسی آنان است ، بلکه در عین حال مبین این نکته نیز هست که در نتیجه تشکیل حتی در سندیکا های دولتی میتوان خواستهای منطقی کارگران را متحدأ ارائه داد و زحماتشان را در راه مبارزه برای اجرای آن متشکل ساخت ، بدون تردید در شرایط فعلی تورو اختلاف در کشور اعضای شورائی همکاری سندیکاهای کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران نه میتوانستند . خارج از چارچوب فعالیت سندیکاهای دولتی و روز اول ماه مه کرد هم آیند و نه بقصد چنین بیانیه ای که شامل بخشی از خواستهای کلیه کارگران کشور است ، میشوند .

اعتصاب ۷ آذر سال ۱۳۳۳ تا کسای را نان تهران نمونه دیرپریست در تأیید این نظر . اعتصاب ۱۶ هزار نفر از تا کسای را نان تهران ضربه شدیدی بود بر رژیم شاه که نقاب عوامفریبی برچهره خود انکنده است . بر خوروی که رژیم کودتا با اعتصاب تا کسای را نان کرد بار دیگر ماهیت ضد کارگری اعتصاب شکنی را بعهده دولت وظیفه ضد کارگری اعتصاب شکنی را بعهده گرفت و وسائط نقابیه ارتش و سایر سازمان های دولتی را بجای تا کسای های اعتصابی بکارگمارد . سران سندیکاهای دولتی نقش دلالی دواش را بعهده گرفتند . ولی باوجود اینها اعتصاب سه روز با وحدت قابل تحسینی ادامه داشت و بالاخره نیز دولت و کار فرمایان مجبور شدند روزانه ده تومان از نرخ اجاره بفع تا کسای را نان بکهند . درست است که اعتصاب تا کسای را نان در نتیجه دخالت دولت نتوانست با پیروزی کامل و بوزور گردد ، ولی تجربه ای که از این اعتصاب بزرگ بدست آمد بس ارزنده است .

اعتصاب تا کسای را نان نشان داد که زحماتشان میتوانند از سندیکاهای دولتی بفع تأمین برخی از حقوق خود استفاده نمایند . طبیعی است که اگر تا کسای را نان در سندیکائی دولتی متشکل نمیشوند بشورائی نمیتوانستند خواستهای خود را با هم در میان گذارند . موافقت ۱۶ هزار نفر را جنب نموده و منوسل بحربه اعتصاب کردند .

عین این استدلال در باره اعتصاب خرداد ماه ۱۳۳۳ کارگران کارخانه صنایع پشم امتهان هم صادق است . کارگران این کارخانه بدست علم آزادی جسمی با دلار فرامیمنفد ساخته اند . طبق این بیعتب کارفرما بمعهد گردیده که ۲۰ درصد از سود کارخانه را بکارگران بپردازد . ولی پس از انقضای مفهوه مسئولین کارخانه از اجرای تعهد خودداری ورزیدند .
بقیه در صفحه ۷

متوسط شروع کرد و بعد بصنایع سنگین رسید. در اینکه ایجاد صنایع سنگین بر سرمایه گذاری هنگفت و کار شناسان ورزیده‌ای احتیاج دارد تردیدی نیست. ولی از این مقدمه درست نتیجه گیری غلط نباید کرد. بلکه باید نخست معتقد شد که ایجاد صنایع سنگین برای رشد سریع اقتصاد کشور ما، برای تأمین استقلال اقتصادی آن و بهبود زندگی مردم اهمیت حیاتی دارد. سپس بجهت تأمین منابع مادی و انسانی پرداخت و تمام نیروی خود را برای استفاده حداکثر از منابع داخلی و خارجی متمرکز کرد.

در مورد تهیه سرمایه باید به سه نکته اساسی توجه داشت: (۱) وقتی گفته میشود که ایران باید صنعتی گردد و برای اینکار تقابل از هر چیز باید صنایع کانی خود را بوجود آورد مقصود این نیست که ایران باید ناگهان صنعتی شود. صحبت برسر اینست که باید

صنعتی شدن را هدف قرار داد برای اینکار برنامه داشت و تمام نیروها و امکانات را در این جهت متمرکز کرد. صنعتی شدن هم مانند هر چیز دیگری البته وقت میخواهد. ولی فقط با رعایت نکات فوق میتوان مطمئن بود که مثلا پس از سی سال ایران صنعتی شده است. در حالیکه راهی که رژیم کنونی میبرد موجب دورتر شدن از هدف طولانی‌تر شدن و مشکل‌تر شدن کار میگردد.

(۲) از تمام امکانات و منابع داخلی برای تراکم سرمایه باید حداکثر استفاده بعمل آید. اگر اصلاح ارضی دموکراتیک بعمل آید و تمام مواریث که بر سر زمینهای تملک نبروه‌های مولده قرار دارد ریشه کن گردد، منبع نفت ایران بجای اینکه توسط امپریالیستها غارت شود در اختیار ملت ایران قرار گیرد، بازرگانی خارجی ایران متعادل گردد، از مخارج نظامی کاسته شود، هزینه های زائد دولتی از بین برود، بحیف و میل‌ها و دزدیهای رایج در دستگاه دولتی ایران خاتمه داده شود، پول هنگفتی در اختیار دولت برای سرمایه‌گذاریهای عظیم متمرکز خواهد شد. حتی در شرایط کنونی هم اگر درآمد نفت بامورتولیدی اختصاص داده شود و اقبالیست‌ها جیدی در زمینه صرفه‌جویی اقتصادی در تمام شئون بعمل آید میتوان سرمایه عظیمی در اختیار داشت. نفع طبقاتی، سود شخصی و بی‌بافتی موجب نابسامانی کنونی شده است. و این نتیجه را نمیتوان بهانه و دلیل برای جلوگیری از ایجاد صنایع سنگین قرار داد.

(۳) پس از استفاده کامل از منابع داخلی اگر باز هم کمبودی در مورد سرمایه‌گذاری موجود بود آن وقت میتوان با توجه به هدف و با در نظر گرفتن اینکه در ایالت کمک از خارج هیچگونه قید و شرط سیاسی و اقتصادی نباشد برای جلب سرمایه از خارج اقدام کرد.

عین همین نکات را باید در مورد کار فنی در نظر گرفت. باین معنی که ما اکنون تعداد نسبتاً قابل توجهی کارشناس داریم، میتوانیم یکی یک برنامه ده بیست ساله کمبود خود را بمیزان زیادی جبران کنیم. زمانهای هم که دچار کمبود هستیم از کارشناسان خارجی استفاده کنیم، بشرط اینکه این کارشناسان واقعا کارشناس باشند نه وسیله اعمال نفوذ کشورهای خارجی.

این نکته را هم باید گفت که محافل حاکمه ایران در داشتن نظریه فوق به‌هیچوجه متبکر نیستند. آنها در واقع نظریه امپریالیستی را تبلیغ میکنند که گویا کشور های کم‌رشد باید همان راهی را طی کنند که کشور های سرمایه‌داری غرب طی کرده‌اند. برای امپریالیستها البته کاملا بصره است که کشور های مانند ایران صنعتی شدن خود را با ایجاد صنایع سبک و متوسط شروع کنند. چون در این صورت هم بازار این کشورها برای آنها محفوظ خواهد ماند و هم وابستگی آنها ادامه خواهد یافت.

محافل حاکمه ایران بیش از چهل سال است مردم را به مطالعه، برای احداث کارخانه خوب آهن سرگرم کرده‌اند. ولی عرصه بر آنها روز بروز تنگتر میشود. از یکطرف مردم این سیاست ضد ملی را محکوم کرده‌اند و مبارزه خود را برای تحقق امری که با استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بستگی دارد شدت میدهند. از طرف دیگر نمونه سایر کشورها که خیلی دیرتر باین فکر افتادند ولی اکنون سالها در این زمینه از ما جلوترند در برابر مردم است. و بالاخره آمادگی کشور های سوسیالیستی برای کمک جسدی و بی‌شائبه در مقایسه با سیاست مفرطانه و

بقیه از صفحه ۱

نخستین کارخانه ذوب آهن ایران با کمک اتحاد شوروی ساخته میشود

سودجویانه امپریالیستها راه گریزی نه برای محافل حاکمه ایران و نه برای اربابان امپریالیست آنها باقی گذاشته است. بهمین جهت از مدت‌ها پیش مسئله احداث کارخانه ذوب آهن با شرکت سرمایه‌های انگلیسی و آلمانی و امریکائی مطرح است. ولی کارخانه ذوب آهنی که قرار بود باین ترتیب ساخته شود اولاً یک کارخانه دست دوم بود. بدینمعنی که فولاد آن میباید همچنان از خارج وارد شود. ثانیاً سرمایه مالی بر آن تسلط داشت. نتیجه اینکه کارخانه‌ای که میباید بنیاد استقلال اقتصادی ایران را بوجود آورد موجب وابستگی بازم بیشتر اقتصاد ایران با امپریالیسم می‌شد. گذشته از این حتی همین طرح هم با اینکه تاکنون مباحثات دربار فقه برای مطالعه، از بصرف رسیده بر اثر رقابت بین امپریالیستها هنوز به مرحله عمل در نیامده است. این مطالعه، بر باد رفته سیاست ضد رقابت برسر غارت زمانی جریان داشت که اتحاد شوروی چندین بار پیشنهاد کرده بود که با شرایط بسیار مناسب، از نوع شرایطی که در مورد احداث کارخانه ذوب آهن هند عملی گردیده و محافل حاکمه ایران هم در مناسب بودن آن تردید نکرده‌اند. ساختن کارخانه ذوب آهن ایران را بعهده بگیرد. وقتی که تلف شد و پولی که بابت مطالعه، بر باد رفته سیاست ضد ملی محافل حاکمه ایران را که در جهت تمایل امپریالیستها تاکنون از ایجاد کارخانه ذوب آهن در ایران جلوگیری کرده آشکار میسازد.

خصلت ضد ملی سیاست اقتصادی رژیم در کجاست؟

متأسفانه از چپ، هم تردید هائی در این زمینه وجود دارد. برخی از محافل ملی در همانحال که سیاست ضد ملی رژیم را در زمینه اقتصادی و از جمله در مسئله احداث کارخانه ذوب آهن محکوم میکنند آمادگی کمک شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی را برای احداث اقتصادی و فنی به ایران نیز مورد انتظار قرار میدهند. زیرا بعقیده آنها گویا این کمکها موجب تحکیم رژیم میشود. بیفایده نیست ببینیم خصلت ضد ملی سیاست اقتصادی رژیم در کجاست و مبنای انتقاد محافل ملی و مترقی باین سیاست چیست؟

ما میگوییم محافل حاکمه ایران بتبعیت از امپریالیستها مانع صنعتی کردن ایران میشوند. و اگر رشته هائی از صنایع بوجود میاید از یکسو در خلع دائمی رقابت خارجی و از سوی دیگر تحت تسلط سرمایه خارجی است. ما میگوییم تکیه یکجانبه اقتصاد ایران برآمد نفتی که در اختیار امپریالیستها

از همه اینکه جاوی آن سیاست امپریالیستی که میکوشد بر نفت ما، بر صنعت ما، بر بازرگانی ما و در یک کلمه بر تمام شئون اقتصادی ما تسلط کامل و بلا معارض داشته باشد گرفته میشود. مگر مانع‌خواهیم که از وابستگی یکجانبه بازار جهان سرمایه داری جهانی بایم، چلو بسط نفوذ سرمایه مالی را بگیریم، بازرگانی خود را متعادل کنیم، صنایع سنگین بوجود آوریم و ارز خود را به‌صورت تولیدی برسانیم؟ مگر پیش‌نهاد های اتحاد شوروی همه در این جهت نیست؟ پس چگونه میتوان این پیشنهاد ها را قبول نکرد، آنرا مورد انتقاد قرار داد و حتی، محکوم، کرد فقط باین بهانه که گویا موجب تحکیم رژیم میشود؟ اگر محافل حاکمه ایران چنین روشی داشته باشند تعجب ندارد. ولی چنین روشی از جانب محافل ملی خود را، ملی، نمیداند شکفت آور نیست؟ اگر در سیر این تفکر و ارز یابی پیشگیر باشیم آیا باین نتیجه میرسیم که برای اینکه رژیم کنونی تقویت، نشود باید اصولاً با ساختن کارخانه، با تعادل بازرگانی، با اصلاح ارضی مخالفت کرد؟ آیا باین نتیجه میرسیم که هرچه اقتصاد کشور ورشکسته تر و وضع مردم بدتر باشد بهتر است؟ آیا باین نتیجه شکفت انگیز میرسیم که باید آگاهانه کمک کرد تا وضع اقتصادی خرابتر و مردم فقیر تر شوند؟ روشن است که هیچ انسانی با عقل سالم و با نیت پاک، هیچ انقلابی مبارزی که صادقانه در راه آزادی و استقلال میهن خود و بهبود زندگی هموطنان خود پیشگامی کند نمیتواند چنین روشی را در پیش گیرد. مبارزان واقعی بمانند روز موعود، نمی‌نشینند. آنها در هر لحظه و در تمام زمینه ها برای عظیم گذاشتن سیاست ضد ملی رژیم، برای دفاع از حقوق مردم و برای از پیش بردن خواستهای خود مبارزه میکنند. آنها مبارزه در راه خواستهای روز مره و هدفهای تاکتیکی را با مطالبات اساسی مردم و هدفهای استراتژیک پیوند میدهند. فقط در چنین صورتی است که میتوان رژیم را هم بعقب نشینی و دادن امتیاز مجبور کرد و هم بساط یک نظام ضد ملی و ضد دموکراتیک را در میهن، بر چید.

کسانی هم هستند که راهائی از آن قبیل را فقط عوام قریبی و «مانور» میدانند. بنظر آنها غیر ممکن است که رژیم شاه گداهانی در این زمینه‌ها بر دارد. نخست باید گفت که در اینجا به‌هیچوجه صحبت بر سر حسن نیت، شاه و سایر زمامداران رژیم نیست. صحبت بر سر اجبار است. و این اجبار واقعی است. فشار داخلی و تناسب نیروها در صحنه جهانی عقب نشینی اجباری رژیم را از امکان باوقیت تبدیل کرده است. کسانیکه در سکوت مبارزه بر ضد امپریالیسم و رژیم شاه این واقعت را نمی‌بینند علیرغم میل خود از یکطرف امپریالیسم و رژیم شاه را قدر قدرت و شکست ناپذیر میدانند و از طرف دیگر به نیروی مردم و امکان پیروزی آنها اعتقادی ندارند.

وظیفه چیست؟

پیشنهاد های اتحاد شوروی درباره بسط روابط اقتصادی و بازرگانی و فرهنگی با ایران دو حقیقت را بار دیگر بیروت رسانند: نخست آنکه اتحاد شوروی بنا بر ماهیت سوسیالیستی خود دوست واقعی خلق ماست و همیشه آماده‌اتحاد است که کمکهائی است که بهبود زندگی مردم و پیشرفت اقتصادی کشور را در بر دارد و موجب تضعیف پایگاههای امپریالیسم در ایران است. دوم آنکه محافل حاکمه ایران بنا بر ماهیت خود و بتبعیت از اربابان امپریالیستی خود سلب‌هست این پیشنهاد ها را ندیده گرفته‌اند، در توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی اخلال کرده‌اند و در عملی کردن آن کندی بخرج داده‌اند. هم‌اکنون هم در برابر پیشنهاد های فوق العاده مفید اتحاد شوروی محافل حاکمه ایران هنوز عکس العمل لازم و متناسب را نشان نداده‌اند. ضمناً نباید فراموش کرد که - چنانکه تجربه نشان میدهد - هر وقت بهبود مناسبات ایران و شوروی وارد مراحل جدی میشود مرتجع ترین محافل امپریالیستی و داخلی با تمام قوا باخلال میگردانند. بنا بر این وظیفه همه میهن پرستان ایرانی است که از یکطرف با توسطه اخلال و ناپسندیدنی محافل حاکمه ایران مبارزه کنند و از طرف دیگر برائی بسط هرچه بیشتر روابط بین ایران و اتحاد شوروی عملی ساختن پیشنهاد های اتحاد شوروی بکوشند. تردیدی نباید داشت که موفقیت در بسط همه جانبه مناسبات ایران و شوروی پیروزی مردم ایران و اردوگاه سوسیالیسم است. م. انوشه

بقیه از صفحه ۶

در باره سندیکا های کارگری

یازدهم خرداد ماه کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان بعنوان اعتراض نسبت بعدم پرداخت ۲۰۰ در صد سود کارگران متحداً دست از کار کشیدند و در نتیجه کارفرما را مجبور بعقب نشینی ساختند. اهمیت موضوع در اینجاست که گرچه سران سندیکاهای اجانب وزارت کار و خدمات اجتماعی تعیین میگردد و مأمورین سازمان امنیت جردستگاههای اداری سندیکاهای راه میبایند ولی وجود اینگونه افراد هم در جلسه شورای همکاری سندیکاهای کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران و هم در سندیکاهای تاکسی رانان و کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان و کارشکتهای آنان نتوانست مانع صدور بیانیه ۱۲ ماده ای و آغاز و ادامه نسبتاً موفقیت آمیز اعتصاب کارگران گردد. و این امر حاکیست که در صورت تشکیل کارگران و مبارزه و هم‌ریش کارگران فعال و آگاه در درون سندیکاهای وجود عوامل اجزای دولتی و وزارت کار و غیره نمیتواند تأثیر چندانی در سیر مبارزه داشته باشد. پرواضح است که هر کارگر آگاهی باینگونه افراد و نحوه کار آنها مخالف است و بحق آنانرا دشمن خود و همه کارگران میدانند ولی این بدان معنا نیست که کارگران پیشرو باید از سندیکائی که عده ای کارگر در آن گرد آمده‌اند دوری جویند. چنین عملی یعنی خالی گذاردن میدان جهت عوامفریبی عوامل مضر. وظیفه کارگران فعال و آگاه عبارت از رسوخ در داخل سندیکا های دولتی برای روشن کردن

حمید

۱ مرداد تا ۴ مرداد ۱۳۰۰

قوای مسلح حکومت احسان اله خان بدون تهیه مقدمات لازم بسوی تهران حرکت کرد و شکست خورد، رشت از طرف قوای مرکز (فرقه‌ها) اشغال گردید.

۵ مرداد ۱۳۲۸

قرارداد الحاقی نفت از طرف مجلس رد شد. بموجب این قرارداد که در نتیجه مذاکرات طولانی بین دولت ساعد و انگلیسها تهیه شده بود مواد اساسی امتیاز شرکت نفت حفظ میشد، امیرالایسم انگلیس بغارت ثروت نفت ایران کماکان ادامه میداد و حق الامتیاز دولت ایران اندکی افزایش مییافت.

۹ مرداد ۱۲۹۹

(کمیته ملی آزادی ایران) با شرکت جناح «چپ» حزب کمونیست ایران و بریاست احسان اله در گیلان تشکیل شد.

حکومت احسان اله خان اعلامیه ای مبنی بر آزادی توده ها، مصادره و تقسیم کلیه اراضی مالکین بین دهقانان، الغای مالیاتهای جنسی و غیره منتشر کرد، معذالک مجموعه اقدامات حکومت بسود دهقانان تمام نشد و موجب عدم رضایت دهقانان و خرده بورژوازی شهری گردید.

۱۰ مرداد ۱۳۲۲

افتتاح نخستین کنگره حزب توده ایران. نخستین کنگره حزب توده ایران برنامه و اساسنامه حزب را تصویب نمود و کمیته مرکزی و کمیسیون تقنینی مرکزی را انتخاب کرد. کنگره بسط نفوذ و تشکل حزب و نقش برجسته آنرا در حوادث ایران نشان داد.

تقویم مردم

مرداد ماه

۱۰ مرداد ۱۳۲۵

شرکت وزراء حزب توده ایران در کابینه قوام. در شرایط اوج نهضت قوام مجبور شد سه وزارتخانه فرهنگ، پیشه و هنر، بهداری را در اختیار وزراء توده ای بگذارد. این وزراء در دوران سه ماهه وزارت خود کوشیدند تا دستگاههای وزارتی را از عناصر زائد و فاسد تصفیه کنند و آنها را بدستگاههای فعال و ثمربخش بدل سازند. وزراء توده ای با اعتراض یکسلسله اقدامات ضد مکرانیک قوام و مشی نادرستی که در کابینه وی در پیش گرفته شده بود معرضاً استعفا دادند و از کابینه خارج شدند.

۱۲ مرداد ۱۳۳۲

روز ۱۲ مرداد سال ۱۳۳۲ رفراندوم دولت دکتر مصدق بمنظور انحلال مجلسی که نمایندگان مرتجع و طرفدار امیرالایسم در آن کمین کرده بودند در تهران انجام شد. روز ۱۹ مرداد همانسال رفراندوم در شهرستانها بعمل آمد. میلیونها نفر از مردم سراسر کشور با شور و شغف فراوان بانحلال مجلس رأی دادند. این رفراندوم از متهورانه ترین اقدامات دکتر مصدق علیه اختیارات نامحدود شاه و ضربه بزرگی بر قدرت وی بود که انحلال مجلس را حق خود میدانست.

۱۴ مرداد ۱۲۸۵

صدور فرمان مظفرالدین شاه در باره قانون اساسی - جشن مشروطیت.

۱۸ مرداد ۱۲۹۸

انقصاد قرارداد وثوق الدوله و انگلستان. بموجب این قرار داد کلیه رشته های

گوشه‌ای از تاریخ

از قصیده ای که استاد ادیب‌الممالک فراهانی در وصف محمد علی شاه قاجار سروده است:

ای شه به زمین زند این تومن دولت
کامروز به زیر توروان گشته ورام است
این طبل زدن زیر گلیمت نکند سود
چون طشت تو بشکست و افتاده زبام است
جائی که نماد اثر از داد پندار
برمایه بیداد و ستم هیچ دوام است
آن باده که در جام کسان ریختی ای شاه
ساقیت بر افشاند سرانجام بجم است.
روز عقلا از ستم و جور تو تار است
صبح سعدا از طمع و حرص تو شام است
از مال فقیرانت در گنج زروسیم
وز خون شهیدانت در جام مدام است
دشتی که بهر دستی از آن خون سیاوش
آمیخته با مغز جگر گوشه سام است

گرفته بود - مخفیانه در کمین کاروان نشست و همینکه افسران بمقابل کمیته نگاه رسیدند باران گلوله را بر سر آنان ریخت.
قیام افسران خراسان و تهران از آنجا که بر طبق شرایط ضروری انجام نگرفت و در اثر برخی اشتباهات که شرح آنها در این

امور دولتی تحت نظارت مستشاران انگلیسی قرار میگرفت. انگلیس بایران اسلحه میداد تا ارتش تازه‌ای تحت نظر مستشاران انگلیسی و بخاطر حفظ منافع انگلستان در ایران وجود آید، برای پرداخت بهای تسلیحات و حقوق مستشاران قرضه جدیدی بمایه ضعیف کشور ما تحویل میشد، بانگلستان اختیار ساختن راه آهن و سایر وسایل ارتباط داده میشد.

این قرارداد با مخالفت شدید مردم در سراسر کشور مواجه شد. قیام خیابانی در تبریز و قیام کنل محمد تقی خان پسیان در خراسان نمونه های درخشان مخالفت مردم با این قرارداد خائنه بود. جنبش مخالفت با قرارداد چنان اوج گرفت که مانع از اجرای آن گردید.

۲۵ مرداد ۱۳۳۲

کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق باشکست روبرو شد. نماینده شاه (سرهنک نصیری) که مأمور ابلاغ عزل نخست وزیر قانونی بود توقیف گردید. شاه که توطئه خائنه اش افشا شده بود از بیم مردم سراسیمه از کشور گریخت.

۲۶ مرداد ۱۳۳۴

در این روز ۶ نفر از افسران عضو حزب توده ایران، و قهرمانان فداکار سرگرد هوایی رحیم بهزاد، سرگرد هوایی ارسطو سروشیان، سروان هوایی اسمعیل محقق زاده، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان، ستوان ۳ هوایی اسداله نصیری فرمان شاه جنایتکار تیرباران شدند. تنها خبری که ضمن خبر اعدام از چگونگی امر منتشر

اکنون همه ماوای سباعست و وحوشست
اینک همه بنگاه هوم است و سوام است
باغ ادم آرامگه دیو و شیاطین
فردوس چراگاه گروهی دودوام است
تخواهی و وامی که زیگانه ستانی
تخواه نه جانگه بود، وام نه دام است
در گردن شیرنه وام است چو زنجیر
و ندر دهن مارسیه وام لگام است.
دیگ طمع و حرصت از این آتش بیداد
پخته نشود هیچ که سودای توخام است
نه عهد تو عهد و نه یمین تو یمین است
نه قول تو قول و نه کلام تو کلام است
اطوار تو آواز جنون است و سفاک است
افکار تو پندار صداع است و زکام است
بگذار سنان را که دم تیغ تو کند است
بسیار عنان را که سمند تو جمام است
ای دزد از این خانه بدرشو که خداوند
بیدار و نگهبان سرا، بر سر بام است

مختصر نمیگنجد، بشکست انجامید. ولی این قیام وسیله مؤثری شد برای بسط روز افزون دامنه جنبش دمکراتیک در ارتش ایران که بعد ها صدها افسر مترقی و مہین پرست دیگر را به صفوف نیروهای خلق جلب کرد.
در واقعه گسبند قباوس ۵ افسر و ۲

۲۷ مرداد ۱۳۲۴

قیام افسران خراسان و تهران

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این تاریخ مرتجعترین محافل حاکمه ایران بسرکردگی شاه با پشتیبانی امیرالایسم امریکا و انگلیس علیه نهضت ملی ایران دست به توطئه زدند. کودتا تحت نظر آن دالس رئیس سازمان جاسوسی امریکا و مذاخه‌زنرال شوارتسکف امریکائی انجام شد. نقش اساسی را در این توطئه هندرسن سفیر امریکا برعهده داشت و شاه و زاهدی عوامل پست اجرای آن بودند. این کودتا نتیجه بندوبست قبلی شرکت‌های نفتی امریکا و انگلیس بود. متأسفانه بعثت پراکنده گی نیروهای ملی کودتاچیان توفیق یافتند، حکومت قانونی آقای دکتر مصدق که مورد پشتیبانی مردم بود سقوط نمود و نهضت ملی ایران سرکوب شد.

مرداد ۱۲۹۷

قراردادی بین میرزا کوچک خان و قوای انگلیس منعقد شد. بموجب این قرارداد میرزا کوچک خان از مقاومت در مقابل قوای انگلیس دست برداشت، بانها راه داد تا به سوی باکو حرکت کنند، تأمین خوار بار آنها را برعهده گرفت، انگلیسها متعهد شدند حکومت کوچک خان را برسمیت بشناسند ولی تعهد آنها مانوری برای درهم شکستن مقاومت جنگلیها بود.

سرباز شهید شدند. یکی از این شهیدان سرگرد اسکندانی سازمان دهندۀ قیام خراسان بود. اسکندانی یکی از دانشمندترین و شجاعترین افسران ارتش ایران بود. او پس از پایان دانشکده افسری معلومات نظامی خود را در دانشگاههای نظامی فرانسه تکمیل کرد و در بازگشت بایران در رسته توپخانه دانشکده افسری بتدریس پرداخت و ایمان با تدریس یکسلسله کتب در رشته تئوری توپخانه تألیف کرد. با شهادت اسکندانی نیروهای ترقیخواه ارتش و بطور کلی جنبش آزادیبخش ایران یکی از رشیدترین و جانباختارترین مبارزان خود را از دست داد. نام شهید حادثه گسبند قباوس چنین است:

- ۱ - سرگرد اسکندانی
- ۲ - ستوان یکم شهبازی
- ۳ - ستوان یکم نجیدی
- ۴ - ستوان یکم مینائی
- ۵ - ستوان دوم نجفی
- ۶ - سر جوخه بهلول
- ۷ - سرباز قره وشی

نام این شهیدان راه آزادی ایران برای همیشه در تاریخ جنبش آزادیبخش ملی مردم ما ثبت خواهد شد. قهرمانی و فداکاری پیدریغ این رادمردان مایه الهام اخلاف مبارز آنان در ارتش ایران است و کلیه مبارزان راه ترقی و تعالی ایران خاطره تانناک این مبارزان شریف و دلیر را بزرگ مدارند.
پ. پیکار

نامه اعتراض فدراسیون جهانی سندیکاها به نخست وزیر ایران

در نامه ای که لوئی پاولیا بضمیمه متن اعتراضیه خطاب به نخست وزیر ایران رفیق روسنا دبیر شورای متحده مرکزی ایران ارسال داشته گفته شده است که ارسال نامه ضمیمه برای فدراسیون جهانی سندیکاها مفرصتی است برای آنکه همبستگی خود را نسبت به مردم و کارگران ایران در نبرد عادلانه ای که بدون خستگی در شرایطی بویژه دشوار ادامه میدهند نشان دهد متن اعتراضیه بقرار زیرین است:

نخست وزیر - تهران - ایران - فدراسیون جهانی سندیکاها بنام ۱۲۰ میلیون اعضاء خود از توقیف دهها نفر مہین پرست ایرانی که برخی از آنها باتکاء اتهامات بی اساس شکسجه شده اند برآشفته است و علیه این اقدامات تضییعی و نقض آزادیها بسختی اعتراض میکند. فدراسیون سندیکائی جهانی با تأکید و اصرار تمام میطلبد، بنام اصول مشروطیت و حقوق بشر بازداشت شدگان آزادگردند و موازین دمکراتیک مراعات شود.

دبیر فدراسیون جهانی سندیکاها - لوئی پاولیا

پتیله از صفحه ۲

یادی از قیام مرداد ۱۳۲۴ افسران خراسان و تهران

کنندگان پیوستند و باتفاق آنان بسوی گسبند قباوس روان شدند. یگانه راهی که آنها را بمواضع پیش بینی شده در داخل دشت میرساند ناگزیر از شهر کوچک گسبند قباوس میگذشت. واحد ژاندارم و پلیس شهر که شب قبل از تهران دستور قتل عام افسران قیام کنند را